

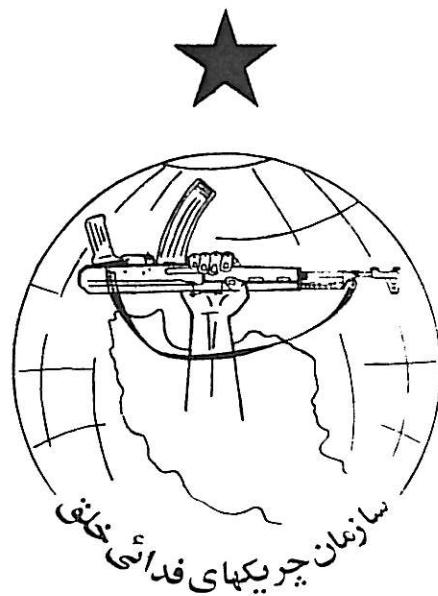
سازمان جهیزهای فدائی نیرو

ضمیمه

نبرد خلق

اسفند ۱۳۵۲

نی



گرامی باد ۱۹ بهمن سالروز
رستاخیز سیاهکل

اعلامیه توضیحی
سازمان چریکهای فدائی خلق
در رابطه با

انفجار پایگاه گروهان ژاندارمری لاهیجان
(مرکز پاسگاه ژاندارمری سیاهکل)

در شامگاه روز نوزده بهمن ۱۳۵۵ سالروز رستاخیز سیاھکل و درست در همان لحظه ای که
عملیات تهاجمی دسته، بینکل از سازمان چریکهای خدائی خلش به پاسگاه زاند ارمی سیاھکل
در ۱۹ بهمن ۴ آغاز گردیده ^{پیور} پایگاه زاند ارمی لاتیجان (مرکز پاسگاه زاند ارمی سیاھکل)
توسطیک واحد از رزمندگان سازمان چریکهای خدائی خل مورد نفوذ قرار گرفت و به دنبال
آن در ساعت ۲۲ همانروز انفجار مهیی این پایگاه را متلاشی ساخت.

طبق اطلاعات رسیده، بر اثر این انفجار، چند خود روی دشمن از کار افتاده و به
ساختهای پایگاه خسارات جدی وارد آمده است و هم چنین چند مزدور کادر از نیروهای دشمن
مجروح گشته اند، واحد عملیات نفوذی بصف نیروهای زمانی را طوری کار گذاشته بودند که به
مردم شهر خسارت و مددعه ای وارد نیاط و هم چنین به سربازان وظیفه ایکه در پایگاه بسوند
آسیبی نرسید. به دنبال این عمل، عملیات دیگر در تهران، مشهد و بابل به ترتیب زیر انجام
شد.

۱. انفجار پاسگاه زاند ارمی سلیمانیه در تهران در ساعت ۱۰/۱۰ شامگاه روز ۱۶ بهمن.
 ۲. انفجار استانداری خراسان در ساعت ۱۴/۳۰ شامگاه ۲۱ بهمن.
 ۳. انفجار شهریانی بابل در ساعت ۳۰/۲۰ شامگاه ۲۲ بهمن.
- این عملیات به منظور بزرگداشت نوزده بهمن ۴۹، روز رستاخیز سیاھکل و آغاز جنگی
صلحانه، خلیل ایران مسوت گرفت و کلیه واحدهای عمل کننده به سلامت به پایگاههای
خود باز گشتند.

* * کارگران، رعیت‌گران آزادیخواه و کسبه، شریف گیلان!

در اطرافه مقطعه به پرواز در آمدند و هزاران مزدور بسیج شدند تا به مقابله با عنت رژیوندَه انتقامی بپردازند. بدین ترتیب، رژیوند کان جنگل با خاطر اشتباہی که مرتک شده بودند، چند روز پس از حمله به پاسگاه سیاهکل با پیشتوانان دشمن درگیر شدند. رفا آنها را در ۱۹ بهمن ۱۳۵۶ آغاز پنجمین سال جنبش نوین انتقامی خلق ایران است. چهار سال پیش، در پنین روزی مرکز زاند امری سیاهکل که مورد نفرت عمیق اتحادی روسیه ای منطقه سیاهکل و دیلمان بود و نشانه بارز ستمگری رژیم شاه خائن در منطقه محسوب میگردید، بر طبق یک برنامه‌ی تدارک شده، از جانب "دسته جنگل" سازمان ما مورد حمله قرار گرفت و بدینسان آتش نبرد مسلحه از زیرخاکستر سرد سالها رکود و تسلیم سر بیرون آورد و نشانه پایانی بر افسانه "ایران، جزیره ثبات و آرامش" که مین اسارت خلن ما به وسیله شاه مزدور بود، نهاد شد. عملیات "دسته جنگل" طبق طرح پیش بینی شده در شامگاه روز نوزدهم بهمن آغاز گردید. رفاقتی ما پس، از سوار شدن به یک مینی بوم و پخش اعلامیه در بین صافران آن، خود را به سیاهکل رسانیدند و پاسگاه زاند امری، این مرکز ستم به رعیت‌گران را مورد حمله قرار دادند و پس از اعدام مسئول، پاسگاه موجودی اسلحه خانه، آنچه را بنام خلق زحمتکش ایران تصاحب نمودند، و بسته جنگل عقب نشینی کردند. طبق برنامه‌های قبلی قرار بود که "دسته جنگل" بعد از انجام عملیات خود از منطقه دور شود ولی در آخرین روزهای قبل از عمل رفاقتی میگیرند برای آشنایی بیشتر با منطقه، تا چند روز بعد از عملیات در محل باقی بمانند.

"دسته جنگل" گرچه از لحاظ نظامی دچار شکست شد اما از لحاظ سیاسی تأثیرات وسیعی در سراسر کشور ایجاد نمود و نقطه آغازی برای حرکت نیروهای انتقامی جامعه گردید. در واقع رژیوند کان سیاهکل، در تحقیق این هدف، خود به موفقیت چشم گیری دست یافته و نبرد دلیرانه، آنها و قاطعیت و ایمانشان به مبارزه ای که آغاز کرده بودند، فضای سیاسی میهن ما را دگرگون کرد، به ویژه آنکه شعله های نبرد رهایی بخش خلش که در سیاهکل افروخته شده بزرگ خاموش نگردید و جنبشی که در جنگل های گیلان آغاز شده بود با نبردهای سایر نیروهای بمانند.

رفاقتی و مبارزات نیروهای آزادیخواه در سایر نقاط کشور پشتیبانی شد و عمچنان ادامه یافت. دشمن به دنبال حمله به پاسگاه سیاهکل و دستگیری رفاقتی رژیوند، جنگل و سرانجام اعدام آنها چهره واقعی خود را به خلش نشان داد. شکنجه و زندان و اعدام که پاسخ همینگی ناه بنا یاتکار به نمیه رژیوند کان راستین بود، از جنبش سیاهکل به بعد در آذربایجان ابتداءی انجام میگیرد که تا به حال، سابقه نداشته است. زندانها از مبارزین پرشده و دیگر بران نگهداز

رهاشان را در شامگاه روز نوزدهم بهمن آغاز نمودند که در روزهای اول دشمن نیروهای زیاری به منطقه اعزام نخواهد کرد ولی برخلاف این نظر رفاقتی، دشمن که از حمله به پاسگاه سیاهکل به طرز بسیار ساخته ای و حشمت زده شده بود با تمام امکانات خود وارد اقدام شد و زده ترین توابع ژاند - امری از سایر نقاط کشور به سیاهکل خوانده شدند و آنها تحت نثارت ستادی که مستشاران آمریکائی در آن مخصوصاً بیت راشتند بعمليات پرداختند، دشنهای هیلی کوپر نظامی ساخت آمریکا

بوده اند و با زندگی خود بهترین درصها را به مبارزین جوان داده اند ، مانند رفیق رضمند فریدون نجف زاده از رشت که در اواخر اسفند سال ۴۴ در جریان مسادره یک بانک دستگیر و مرد اند شکجه های جلادان شیرینی و ساواک را تحمل نمود ولب به سخن نکشید و شهید گشت ، رفیق سید باقرن از رشت که در مهر سال ۶۲ در سایه شهادت رسید . رفیق خسرو گلسرخی از رود سر که دلیرانه در دادگاه بهای غرمایشی شاه در زیر سایه سرنیزه دست به افسای جنایات رژیم زده و بدست مژدوران دشمن شهید گشت . عمه این رفتار در زمرة نونه های در خشان مبارزان انقلابی خلق ما بستند و جنبش انقلابی خلق ما شهواره یار این رزمندگان را گرا - می خواهد داشت . گذشته از این رفتار در طول چند سال گذشته صد ها نفر از مبارزین گیلان توسط مژدوران شاه بازداشت و شکنجه و زندانی شده اند . محاذل و گروههای زیادی در چهار سال گذشته که عوطا در نأیید مبارزه مسلحانه قدم بر مید اشتبهد و ستگیر شده ویسا ضرباتی به آنان وارد آمده . روی آوری اینهمه نیرو به مبارزه نشانه تکفای مبارزه انقلابی در گیلان بعد از جنبش سیاهکل است . این مبارزان در عین حال توانستند با به آتش کشیدن طان نصرتها ، فرمانداری و شهریانی و شعارنویسی و پخش اعلامیه ، در ایجاد یک فنای سیاسی در منطقه گیلان تأثیر سازنده ای داشته باشند . علی رغم عمه این خبریات ، روز بوزن نیووهای بیشتری از بیوانان گیلان وارد صف مبارزه میشوند . این نیروها باید سعی نمایند با کسب تجربیات گروهها و سازمانهای دیگر هوشیارانه تر قدم بردارند تا خبریات بیشتری به دشمن وارد سازند . ما ایمان کامل داریم که رزمندگان جوان گیلان از این پس با استواری و هوشیاری بیشتر راه رفتای دلیر خود را ادامه خواهند دار . رفتاری ما (دسته جنگ) چون قصد شان از حطمه به پاسگاه تبلیغ راه مبارزه مسلحانه در سطح جامعه و رساندن فریاد مبارزاتی شان بگوش خلق و عنامر آگاه بود ، گیلان را با خاطر شرایط ویژه این از قبیل داشتن املاک ارتباط زیاد طبیعی روزنامهها و شهرها ، عینین ما بین خود منطقه و مرکز (تهران) ، داشتن موقعیت مناسب

آنان کافی نیست . پیکر فرزندان مبارز خلق به سبعانه ترین شل مکن شکجه می شود و تمداد اراده اعدام شدگان که دلیرترین فرزندان خلق ما هستند هر روز که سیکرد رقم بزرگتری را تشکیل می داشد . از طرف دیگر رژیم با تبلیغات مسموم کننده ای که در مورد چریکها و دیگر مبارزین ، از رستاخیز سیامکل به بعد انجام داده ، تلاش می کند تا توده های زحمتکار ، میهن ما را درباره ماهیت عملیات انقلابی چریکها به گمراهی بشناسند . ولی همه اند امام رژیم جنایتکار شاه تا به حال درست در خلاف بینهای خواسته های آن عمل کرده است . روی آوردن دهمه تکرمه و سازمان به عباره مسلحانه که هر دم بر تمداد آنها افزوده میشود خود بهترین پاسخ به آنهمه در منشی و سفاکی رژیم شاه نائی است و بهترین دلیل بر درست بودن راهی است که سازمان ما آغاز نموده و در شرایط نفتان پلیسی با جانبازی پیشگامانش اراده داده و تا پیورزن نهایی آن را در بیان خواهد کرد . توده های زحمتکار مردم ما نیز هر روز که میگذرد بیشتر به ماهیت عملیات انقلابی چریکها بین میبرند و با تأیید و پشتیبانی خود تبلیغات زهرآگین رژیم را بین اثر میسازند .

در بر پا کردن جنبش نوین انقلابی ایران و تثبیت موقتی آن ، مبارزین گیلانی بویژه فرزندان دلیر لاهیجان نتش بر جسته ای ایفا کرده اند . رفتاری ارزشمند ای چون غفور حسن پوره هوشمند نیزی ، رحمت الله پیرو نذیری ، استکندر رحیمی ، منوچهر بهای پور ، اسد الله بشیر دوست که هر یک در پیشبرد هدفهای سازمان ما مردانه کوشیده اند و شهید شده اند ، همچنین از مردم لاهیجان بوده اند . از دیگر نیمه های گیلان نیز سازمان ما اعضا مبارز دلیری داشته است ، مانند رفیق ، احمد زیرین و رفیق بهمن آزادن ، از پهلوی و رفیق هاری بنده شده اند از لنگرود که شملی در راه ریشهای خلق پاکبازانه جان خود را باخته اند . خاطر راه این فرزندان رزمنده گیلان همیشه در یادها زنده خواهد بود . از گیلان انقلابی بیون راستیین دیگر در این سالها بپا خواسته اند که بنویسند خود در پیشبرد مبارزه مسلحانه خلق ما موشر

روابط ننگین که در طول قرنها بر جامعه، ما حاکم بود همینه از حفایت کامل دولتها برخورد ار بوده است. شاه خاقان که خود بزرگترین مالک کشور محسوب میشند تا سال ۱۴ باشلا، زاند امری و سایر دستگاههای سرکوب اش بیشترانه از ضافی اربابان دفاع میکرد و هرگونه اعتراض دعوای رنجبر را با سر نیزه و گلوله پاسخ عیداد. نظام ثغود الی (ارباب - رعیتی) که قرنها بر جامعه ما حکومت میکرد به آنچنان حد از پوسیدگی رسیده بود که کاملاً بسیورت صدی در مقابل رشد سرمایه داری وابسته به بیکانلار، قرار گرفته بود. سرمایه داران وابسته به استعمارگران آمریکائی و انگلیسی که در دهه قبل از سال ۴۰ در ایران رشد کرده بودند در اراخر این دهه ضافعنان کاملاً با نظام ارباب رعیتی شاکم احتملک پیدا کرد، آنچنانکه در نتیجه این امر، در این زمان یعنی از سال ۳۸ به بعد، بحران سختی در اعتماد ایران بوجود آمد. ورشستگی بسیاری از سرمایه داران وابسته، تعدیل کارخانجات و روکود عمومی اعتمادی در کل کشور معلوم این شرایط بود. برای درمان این ونسمه همچنین به این خاطر که ادامه این بیرون میتوانست توده های رحمت کش جامعه، بالاخص دهستانان را بسوی قیام علیه این شرایط سون داشد، سرمایه داری وابسته را بر آن داشتند که در فکر جاره باشد. در نتیجه سرمایه دارانی که در دستگاه حاکم سالها شریک مالکان محسوب میگردیدند و همچنین سرمایه داران خارجی، بالاخص آمریکائی ته با این سرمایه داران در داخل رابطه نزدیک داشتند، راه حل را در بر هم زدن روانیا. ارباب رعیتی و باز کردن راه بران سرمایه گذاری در زمینه های مختلف منعکس، معدنی و کشاورزی دانستند، در حالیکه تا قبل از سال ۱۴ سرمایه های عده اساساً در زمینه بازگانی سرمایه گذاری میشدند. شاه خاقان و دربار ایران که قبل از همین خود را فروخته باشند، این را از حامل کار دهستانان رحمت کش، در کمال رفاه زندگی میکردند. دهستانان وابسته به بیگانه قرار گرفته و طرح اسلامات ارضی را که در جهت همین برنامه بود پذیرفته و به اجرای آن پرداختند. با این ترتیب شاه خاقان که روزی بزرگترین مالک زمین در ایران بود به بزرگترین سرمایه دار ایران تبدیل گشت و همچنین به تمام ثغود الها بزرگ این امکان را داد

سیاسی و اجتماعی دارند، انتخاب آردنده، تا دشمن نتواند طبع جدی در راه رسیدن خبر برای عملیات در سطح کشور ایجاد نماید، و موفن به مژوی کردن جنبش سلطانه خلق گردید، زیرا در پاره ای از نقاتل کشور جنبش های سلطانه ای که آغاز گشته بود با خاطر نداشتن شرایط مناسب مانند منطقه، کیلان کاملاً منفرد مانده نتوانست در حرکت عمومی نیروهای مبارز میهن متأثیر چشمگیری بگارد.

سازمان ما با بررسی اوتیم اقتصادی - اجتماعی و تاریخی، مبارزات گذشته خلق به این نتیجه درست رسیده است که برای درهم کوبیدن رژیمی که کوچکترین تدبی در جهت منافع توده های رحمت کش برند اشته و تمام نیروهایش در جهت استمار و غارت روز افزون کارگران و دهستان میهن ما صرف میشود و هرگونه مدادی حق طلبانه ای را با شدیدترین شیوه های ممکن سرکوب میکند، راهی جز مبارزه، سلطانه وجود ندارد. بلکه، حاکم جامعه که زندگی اش بر پایه بهره کشی از اکثریت رحمت کش و ظلم و ستم استوار است، سعی میکند در مواردی بسا پاره ای نقطه ها و یا انجام اسلامات، توده های رحمت کش را فریفته و به این ترتیب عمر ننگین خود را طولانی تر کند زلی این حیله ها ماهیت خود خلقتی خود را زود آشنا نموده و مسنند زحمتکش مادری یابند که مشدلت اساسی آنها در شرایط حکومت رژیم شاه حل نخواهد شد و آنها در چنین شرایطی از حقوق انسانی خویش محروم خواهند ماند. نمونه روش این برنامه ها را میتوان در انقلاب سفید شاه خاقان دید. تا تبل از اسلامات ازمنی دهستان درجیار چوب بپره کشی ارباب رعیتی زندگی میگردند و مالکان، بخصوص مالکان بزرگ که از خانواده شاهی درباری اعوان و ائمه آنها تشکیل میشند بدون آنکه هیچگونه تماسی با زمین داشته باشند، انگل وار از حامل کار دهستانان رحمت کش، در کمال رفاه زندگی میکردند. دهستانان گیلان عموماً ثلث و حتى نصف محصول خود را بمنوان مال الاجاره می بایست به ارباب می پرداختند و علاوه بر این میباشد هر سال مقداری ماست و کره و مرغ و تخم مرغ و جلکل و غیره تقدیم مالک میگردند. بیکاری نیز یکی از ستم های رایج اربابان برکشاورزان رحمت کش محسوب میشند. این

هر چه بیشتر برای دهستان زحمتکش گیلان آنکار میکند . دهستانان بتدربیح درمی یابند که اصلاحات ارضی صرفاً مقدمه نفوذ سرمایه داری به روستاهای گیلان بوده است . در جریان این برنامه ها که هنوز اوایل کارش را در گیلان میگرداند باز هم رژیم شاه مزدور ماهیت خود دهقانان - اش را بر کشاورزان گیلانی آنکار کرده است . رژیم در کمال وفاحت هر جا که زمینهای دهقانان با غبکه های آبرسانی و جاده سازی ای که برای دعوت سرمایه داران به روستاهای گیلان ساخته میشود برخورد عیکند . همان زمینی که خود متر مربعی ۶ ریال به دهستانان فروخته است ، ضری ۳ ریال از او عیخرد ، یعنی نصف مبلغی که خود در حاشیه سهورت تسطیع زمین از دهستان را میگیرد . تازه تجین عتی ، ۳ ریال نیز عموماً به دهستانان پرداخت نمیشود و به عنوان مانده و امها ریا تسطیع زمین دهستان حساب می شود . دونت مزدور شاه همیشه در طول مسالها از زاند امری رعنوان مهمترین ابزار سرکوب دهقانان استفاده کرده است . قبل از اصلاحات ارضی با هرگونه تأخیر در پرداخت عالاً الاجاره سرنیزه ، زاند ارم شا برگوی دهقانان قرار میگرفت . کفترین اعتراض ، دهستانان به نظام تنظیم ارباب رعینی را این ابزار سرکوب شاه ، به سرور مالکان ، با شکجه و زندان و گلوه پاسخ میداد . بعد از اصلاحات ارضی نقش سرکوب کنندۀ زاند امری گسترین وسیعی یافته است . هرگونه تأخیر در پرداخت پول آب و برق ، وام شرک تعاونی و بانک کشاورزی (که بخاراط بدستاری دهستان زحمتکش به نزولخواران و دادن تسطیع زمین گرفته) و موارد دیگر سبب دخالت زاند امری می شود . زاند امری چون اجل معلن بالای سر دهقانان رنجبر گیلان ایستاده است و بعنوان حافظ منافع دولت مزدور شاه و سرمایه داران اجرای وظیفه میکند . دهستانان زحمتکش گیلان باید با هوشیاری مراقب برنامه های خود دهقانی رژیم شاه خائن باشند و با وحدت با هم جلوی این نشنه ها و ستمهای را که به شکم های مختلف ، بر آنان وارد میشود بگیرند . ما عموره از حرکت دهستانان برای کسب حقوق حقه شان پشتیبانی می کنیم و در این راه از شیوه گونه تلاشی فروگذر ار نخواهیم کرد . کارگران زحمتکش گیلان نیز در مسالهای اخیر ستم سرمایه داری را بیش از پیش احساس میکنند . شاه خائن که

که با فروش زمینهای خود به دهستانان و استفاده از سطحیه حامل از آن در بخش منعنه است و کشاورزی سرمایه گذاری کرده و به سرمایه دار تبدیل شوند . بدین ترتیب اکثر ستمکران در گذشته در قالب مالک و فنودال مردم بیگناه و بن پناه را میچاپیدند ، پس از اصلاحات ارضی در لباس سرمایه دار ، مأموران بانکها و شرکتها و مأمور دولت به غارت مردم مشغول شدند . دریک اسلامات ارضی واقعی حت استفاده از زمین باید بدون قید و شرط و بدون پرداخت پول به دهستان یعنی کسانیکه رون زمین تار میکنند تعلق بگیرد ، در حالیکه در اصلاحات ارضی دروغین شاه اولاً بازه دادن زمین به عده ای از دهستانان مبالغ سنديگی از آنها پول گرفتند و ثانیاً بهترین زمینها را برای مالکان گذاشتند و زمین های نامرغوب و کم آب و یا بدون آب را به دهستان راگذار تهدید کردند . دولت مزدور شاه علاوه بر گرفتن قطبیه زمین و پول آب و برق مددی ۲۰ هزار دهکان از روستائیان با دادن رام از ملیریه ، بانک کشاورزی و شرکتهای تعاونی دهستان را در مخصوصه ای قرار میدارد که شلامی از آن به سارگی برای آنان مذکون نیست . این و امها که عموماً مقدارشان کم است مشکلات اساسی دهستان را حل نمیکند . بهره ای راهها ناچار نازل است ولی چون طبایی هر دهستان مخلوق دهقانان گیلان را بیشتر میشارد و آنها را به غرق و دریا در سوت میدارد . اما اگر دولت شاه به دهستانان این شمه ستم روا می دارد ، در مقابل با جدیت تمام به سرمایه داران خدمت می کند . این دولت با ساختن سدها و کانالها و جاده های مختلف در گیلان بسرعت مشغول آماده کردن زمینهای کشاورزی برای تحويل دادن به سرمایه - داران است . دولت احتمالاً در پاره ای نقاط درست به ایجاد شرکتهای سهامی زراعی نیز خواهد زد ولی نه در این مورد و نه در هیچ مورد دیگری منافع انسانهای که مسالها بر رزی زمین های زراعی رنج کشیده اند مورد نظر قرار نمیگیرد ، بلکه هر روز که می گذرد عدد بیشتری از دهستان مجبور می شوند زمین خود را رها کنند و به کارگر روز مزد تبدیل شوند . دولت مزدور شاه با دادن و امها کلان با بهره کم و یا بدون بهره و ساختن سد و کانال و جاده و مساف کردن زمینهای بطور مجانی برای سرمایه داران و ماحصل مناسبان دولتی ، ماهیت خود خلقی خود را

ساخت . این عط رژیم نشانه‌خنده تاکتیک‌های خد کارگری دولت شاه است مدلولت شاه برای سرکوب و ساکت کردن جنبش‌های کارگری بطور همزمان به شیوهٔ تهدید و احتیاز متول می‌شود . رژیم که میداند در فضای سیاه خلقان آور دیکتاتوری ای که در ایران برقرار کرده است آرگران وقتی دست به اعتراض میزند که کارد به استخوانشان رسیده و حتی از سیر کردن ظاهر شکم زن و فرزند تولد را مانده باشند . بدینجهت بضلع حفظ اوضاع، احتیازات محدود می‌شوند، ولی از طرف دیگر برای اینکه این احتیازات محدود باعث تعقیب روحیه جمعی و تشکل آرگران نشود بلافاصله عده‌ای از رژیم اعتماد را مستدیر و اخراج می‌نمند تا باعث شکست روحیه، جمعی و مبارزه جوئی آرگران شود و به این ترتیب شصمان برای تثبیت وضع موجود و تثبیت روحیهٔ تسلیم طلبی در آرگران بیشترانه تلاش می‌کند . این تاکتیک‌های رژیم فقط با عمل متقابله، یعنی پاسخ زور با زور و مشتوت با مشتوت شکسته خواهد شد . سازمان ما با حمایت مسلحانه از جنبشها، اعتراضی نارگران، امید شکسته توده‌های تشدیل، نیافته را پر از عربگران شکست خورد کارگری، زنده نبرده و روحیه امید و اعتماد را مبارزه جوئی را در تودهٔ تایید ارمیسارد . سازمان ما در مرداد ماه ۱۳۵۶ با اعدام فاتح یزدی سرمایه دار، ونخوار کرن که عامل قتل بیش از ۲۰ آرگر بجان به لب رسیده و اعتساب گفته بود علاوه بر حركت خود را در جهت حمایت از جنبشها کارگری آغاز کرد .

ما این راه را هم بنا نداشتمیم را و سعی خواهیم کرد که با تحکیم و تثییت و گسترش، سازماننا با اتفاقه بر توده‌های خلق بطور اعم و بر توده‌های کارگری بطور اخص مبارزه را به پیش برانیم و دشمن خلیل را منفرد و نابود گردانیم .

نهان مذکور عالمگام با برنامه‌های اجتماعی که از سال ۱۴ در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی برای غارت منابع و نیروی کار جامعه ما توسط سرمایه داران وابسته به استعمارگران آمریکائی و انگلیسی، انجام داده است و هسلام یا اعمال خفتانی سیاه در کشور و سرکوب وحشیانه درگونه حرکت مردم، در زمینهٔ فرانسه نیز برای تکمیل حاکمیت خود برنامه‌های خاصی را به مورد اجرا

به خیال، خودش برای فریقتن کارگران، بعد از انقلاب سفید برنامه‌های رنگارنگی مانند با مطلعه "سهمیم کردن کارگران در سود کارخانجات" و "فروش سهام کارخانجات" به آنان ترتیب - داده بود آنکه شاهد رشد کی و چیزی طبقهٔ کارگر میهن ماست . طبقهٔ کارگر باشناخت ماهیت این حیله‌های ننگین هر روز بیشتر به حقوق خود آگاهی می‌یابد . بعد از انقلاب سفید سرمایه داران با استفاده از شیوه‌های مدرن تولید و ماشینی کردن هر چه بیشتر کار به استثمار وحشیانه کارگران پرداخته است . این روشها باعث فرسودگی سریع کارگران و سبب شیوع انواع بیماری در آنان می‌گردد . استفاده از کار ارزان زنان کارگر نیز یکی از روش‌های بیشترانه - ایست که سرمایه داران برای بهره‌گیری درجه بیشتر از مردم زحمت‌کش نشور ما مورد استفاده قرار می‌شوند . سرمایه داران در عین حال سعی می‌کنند بیشترانه از ویژه کارگران زحمت‌کش زن در کارخانه درجهت های دیگر نیز بهره‌برداری نمایند و توجهانه درجهت شیوع فساد و روابط ناسالم در بین کارگران تلاش می‌کنند تا اینکه این توده‌های رتبه‌رکن واقعیت‌های سخت زندگی‌شان را با سه‌ایچ فراموش کنند و بطور جدی در مورد آنها تیندیشند و در نتیجه به مبارزه با نظام سرمایه داری برخیزند . و نمی‌توان کارخانهٔ توپیلی، رشت و کفن طی در این زمینه میتواند نمونهٔ خوبی باشد .

کارگران گیلان در دو سال اخیر حرکت‌های را برای کسب حقوق خود شروع کرده‌اند . جنبش‌های خود بخودی و مطالباتی کارگران با آنکه ابتدائی ترین مراحل خود را میگرانند نشانهٔ نیاز کارگران گیلان به مبارزه برای کسب حقوق پایمال تده شان می‌باشد . بعنوان نمونه می‌توان از اعتساب کارگران وزارت آب و برق در رشت و اعتساب کارگران معدن سنگرود نام برد . این اعتساب کارگری در تابستان اخیر (۱۳۵۷) بوترو پیوست و با هم بسته کارگران به پیروزیهای نسیبی نایل آمد . با این همه رژیم شاه بضلع حفظ اوضاع خلقان بار برای کارگران و جلوگیری از باور شدن امیدهایشان ۳۰ تن از کارگران معدن سنگرود واقع در عمارلوی رود بار را که در استخدام سازمان نوب آن می‌باشند به زندان کشیده و به دادگاه‌های خلقی روانه

میداد توانست به آسانی این اشکال مبارزاتی را سرکوب کند و در عرض ۱۷ سال حکومت پلیسی اش را روز به روز استوارتر نماید و مانع تعاس عنابر پیشرو با توده های زحمتکش گردید. نتیجه، این عوامل به بن بست کشیده شده مبارزه، سیاسی در ایران بود. شکست سال ۳۶ و خیانت رهبران سازمانهای بظاهر انقلابی آن زمان در توده، مردم حالت رکود و گزیز از مسائل سیاسی و پچ لعتماید به عناصر پیشرو را ایجاد کرد. در چنین شرایطی بود که دشمن در این سالها، با شکنجه و زندان و اعدام مبارزین راستین و به گلوله بستن اعتراضهای حق طلبانه کارزاران، دستگان دانشجویان و مددگاران و معلمین، همراه با تبلیغات وسیع و گستردن یک فرهنگ فاسد و ارتقای از خود غولی شنست ناپذیر در زمین مردم ساخت، عناصر پیشرو نیز تا سال ۴۴ عموماً توانستند به شیوه ای نوین از مبارزه که آنان را از گردایی که در آن داشت و پا میزند بدرآورده دست یابند. یاوس و سرخوردگی از مسائل سیاسی همراه با تلف شدن نیروهای مبارز، بدون آنکه فایده ای جدی داشته باشد، توان با اعمال دیکتاتوری و سرکوشی شدید خلق، شرایطی بود که انقلابیون راستین را بستم یافتن شیوه نوین مبارزاتی هدایت کرد. این شیوه نوین می بایست در جامعه فضایی سیاسی ایجاد نماید، خوبی پذیری غول را آشکار سازد و عنابر آگاه را از سرگردانی بدرآورده در جهت جنبش نوین هدایت کند و وجود یک سازمان انقلابی را در سطح جنبش ثبت نماید. این دعاوهای بودند که سازمان ما را بر آن داشت که برای بسیج خل به مبارزه، مسلحانه روی آورد. اکنون که خفغان چندین ساله شکسته و آسمان تاریک میهن ما با شلیک گلوله های مبارزین روشی گرفته است، رژیم وحشت زده و سرور گم کلیه نیروهای خود را بسیج نموده و هر روز بر میزان تدارکات برنامه های سرکوب خود می افزاید. در چند سال اخیر، اشکانها علاوه بر حالت تعطیل و رآمه اند، اعتراضات حق طلبانه کارگران به خاک و خون کشیده میشود، در تهران و پاره ای شهرهای دیگر حکومت نظامی اعلام نشده برقرار شده است، کمیته های با مطلعه نبند خرابکاری با بیشمری هر روز در خیابانها مردم را جمیت بازرسی متوقف و یا اقدام به بازداشت شان مینطاکند و با پورشهای

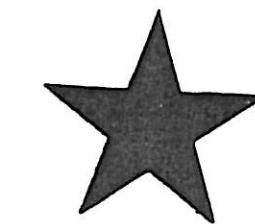
گذاشته. هدف اساسی از این سیاست فرهنگی منحره، کردن توجه مردم ما بخدمت نیروهای بیوان از مسائل سیاسی و بنیادی جامعه و سوت دادن آنان به مسائلی جزئی و پوچ است. رژیم با تمام قوا سعی می کند جوانان را که نیروهای عملی آنان میباشد نه راه دگرگوییهای اساسی و سازندگیهای بنیادی سرف شود، به هرزی و فساد بکشاند و در این راه از تمام امکانات و وسائل ارتباط جمیعی مانند روزنامه، مجله، سینما، رادیو و تلویزیون بنحوی وسیع استفاده می کند. «دشنهای املی این تبلیغات ایجاد روحیه فردیت گرانی در میان مردم و بخوبی جوانان است. رژیم این شعار را با تمام نیرو روان میدهد که "اگر من نباشم بگارد یگرانم نباشند" و با اینکار خود میخواهد شخصیتگیهای جمیعی را تابع منافع فردی نماید. شمچنین با تأکید روزی خوشیهای زود گذر روز را غنیمت شمردن می شواغد آنان را بسوی استفاده از مواد مخدوش و ترویج روابط ناسالم میان جوانان، بکشاند، در منطقه، گیلان میتوانیم تأثیر این برنامه ها را در شهرها و بخشها و حتی در روستاهای هم بخوبی ببینیم. جوانان مبارز گیلان باید با هوشیاری با این فرهنگ فاسد روبرو شوند و تلاش نمایند با تمام قوا در سطح مدنیقه با این برنامه نتایج نهایی مقابل نمایند. آنها میتوانند با پخش اعلامیه و نشریه و افشاگری در مورد ماهیت برنامه های نمایند خلیق رژیم و تأیید مبارزه، مسلحانه و همچنین تلاش در بجهت بالا بردن آگاهی توده، مردم و تنشیک آنها در مقابله با سیاستهای رژیم مزدور پهلوی به پا نخیزند. سازمان ما از این مبارزات صد اند پشتیبانی خواهد کرد. مبارزات سیاسی خلیق ما پیش از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که علیه حکومت طی مسند و سایر نیروهای، ضرغی انجام گرفتند چار رکوب عینی شد. نیروهای پیشرو که می بایست بعد از این تاریخ در شیوه های مبارزاتی خود تغییر اساسی ایجاد می کردند همچنان روش های رابنار میزدند که کودتای ۲۸ مرداد نمکست پذیری آن را ثابت کرده بود. بهمن سبب از ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۶ بهمن ۹۴ مبارزاتی که بوسیله محافظ و گروهها و سازمانهای متعدد انجام گرفت همچنان با شکست مواجه گردید. رژیمی که تا زمان مسلح بود و هر گونه مدل ای مخالفی را با شکنجه و گلوله پاسخ

بر راهان یاوه باقان کوبیده و دست آنها را روکرده است، وظیفه عده ای که هم اکنون در برنامه سازمان ما مطرح است، طرح مبارزه مسلحانه در میان اقتدار وسیع توده عان رحمنکش خلق ماست و ما با ایمان به درستی راهنمای در حال حرکت در این جهت و در این مرحله، مبارزه ایم. همچو عدی ندار به بلوگیر، از این حرکت ما نیست و ما نابودی هر کونه ستم طبقاتی در جامعه از تذمث خستگی ناپذیر خود باز نخواهیم ماند.

درود به شهداء ای جنبش سیاهکل
درود به تمام مبارزان آزاد یخواه گیلان
مستحکم باد پیوند چریکها با سرمه زحمتکش
پیروز بار مبارزات مسلحانه خلائق میان
مرگ بر دستگاههای پلیسی و زاندارمی، ابزارهای سرکوب دولت شاه
کوتاه بار دست سرمایه داران داخلی و خارجی از جان و مال کارکران
و دشمنان گیلانی

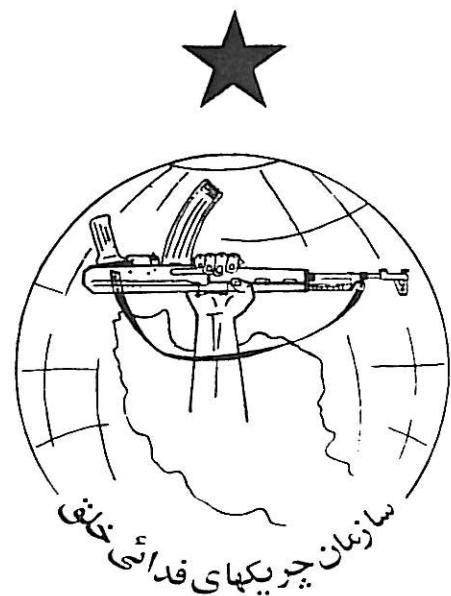
جریکهای فدائی خلق

شبانه به اماکن مردم ماهیت ضد خلقتی خود را در سطح وسیع برای توده های مردم آشکار میکند. این فشار و خفتان روز افزون در شرایطی که موج نوین جنبش مسلحانه هر روز اقتدار وسیع تری را به میدان عمل و مبارزه کشیده است تأثیری جز اعلاء جنبش و تشید تضاد های خلق با نیروهای سرکوب ندارد. شاه جنایتکار که سالها بر تکه بر سر نیزه توانته بود نفسها را در سینه حبس کند، خوشخیالانه تصور میکند که باز هم قادر به ادامه این سکوت مرگبار است ولی اینبار هر اعدام خشونت بارد رسالت در جهت مخالف خواست رژیم عمل میکند و مبارزه را به میان توده میکشاند. سازمان ما نیز با طرح بیزی بناهه عان علیاتی متعدد در صدر توده ای کردن مبارزه مسلحانه است. اعدام فاتح جنایتکار، محاسب کارخانجات جهان چیت، و اعدام شنکجه گر مهروف، سرگرد نیک طبع، نشانه توجه سازمان ما به علیاتی در جهت خواستهای خلق مبارزه میهن ماست. هم اکنون نیز نیروهای بالفعل جامعه بیویه جوانان آزادی خواه با علاقه و اشتیاق روز افزون در جهت اهداف مبارزه مسلحانه مشکل میگردند. این گرایش نوید بخش اگر با توجه به تجارب و دست آوردهای سازمان پیشاهمک طبقه کارگران اجمام گیرد، ثمره مبارزاتی فراوانی به همراه خواهد داشت. بنظر میرسد مساله عده برای مبارزینی که راه مبارزه مسلحانه را انتخاب مینمایند در اولین قدم برخورد با تجارب جنبش نوین وقرار گرفتن در جریان این تجارب است. این گروهها با توجه به امکانات محدود خود با کسب آمو- زشهای علی میتوانند در زمینه های متعددی در مسیر مبارزه مسلحانه قدم بردازند. پخش اعلامیه های توضیحی، افشاگری و بطور کلی هر اقدامی که بتواند در زندگی روزمره خلق تأثیری ثابت داشته و اقتدار وسیع خلق را به نقص خود و مسئولیت خود در پیشیبانی از مبارزه مسلحانه آگاه سازد و عملی در جهت خواستهای صنفی و اقتصادی و روزمره توده ها باشد مورد تأیید سازمان ماست. چهار سال کار مدام و پر تلاش، ثمرات چشمگیری برای جنبش انقلابی میهن ما و سازمان ما به همراه داشته است. مشی مبارزه مسلحانه در سطح آماده ترین نیروهای انقلابی جامعه، بطور عده پذیرفته شده و گزنهای مترقی به اقدامات علی دست زده اند. جنبشها کلگری و اشتبکی افزایش کی و کیفی حاصل نموده و اشکال مسالمت آمیز جای خود را به شیوه های قهر آمیز میدهد. رژیم با تمام تلاش وحشیانه خود دیگر قادر نیست و بزوی ترمیم میشود و ستهای نهای سیاسی - نظامی نیست. ضرباتی که بسا زمانها وارد میگردند بزوی ترمیم میشود و ستهای زیادی برای گرفتن سلاح رفاقتی شهید از آستین بد رآمده است و ما مرحله تثبیت مبارزه مسلحانه در سطح جامعه را پشت سر گذاشته ایم. رشد جنبش مسلحانه در رابطه با نیروهای مبارز ضربات سختی بر پیکر مخالفان میان مسلحانه وارد کرده و تلاشها فرست طلبانه، محلی برای بروز و تأثیر گذاری پیدا نیکند. سازمانهای بی عمل و فرucht طلب که سالها به تعامل اسارت خلق ما نشسته بودند در آغاز جنبش مسلحانه به تلاشها مذبوحانه ای برای آلوده نمودند اتفاق نیروهای شرقی دست زدند ولی رشد جنبش در جریان عمل مشت مک-



رفقای شهید «دسته جنگل»

- | | |
|----------------------------|----------------|
| ۱ - علی اکبر صفائی فراهانی | فراهان اراك |
| ۲ - احمد فرهودی | ساری |
| ۳ - شاعع الله مشیدی | رشت |
| ۴ - هادی بند خدا انگروزی | لنگرود |
| ۵ - عباس داش بهزادی | کرمان |
| ۶ - جلیل انفرادی | تهران |
| ۷ - رحیم سماعی | دانشجو |
| ۸ - مجیدی اسحاقی | اراک |
| ۹ - هوشنگ نیری | دانشجو |
| ۱۰ - علی محدث قندچی | فراهان اراك |
| ۱۱ - محمد هادی فاضلی | علم |
| ۱۲ - اسماعیل معینی عراقی | دکتر |
| ۱۳ - غفور حسن پور | تبریز |
| ۱۴ - ناصر سیف دلیل صفائی | فارس |
| ۱۵ - اسکندر رحیمی | اراک |
| | مهندس |
| | معلم |
| | مهند |
| | کارمند شهرداری |
| | دانشجو |
| | کارگر |
| | دانشجو |
| | دانشجو |
| | علم |
| | مهندس |
| | معلم |
| | مهند |
| | مهند |
| | معدام |



گرامی باد ۱۹ بهمن سالروز آغاز
جنبش مسالماتانه خلق ایران

اعلامیه توضیحی
سازمان چریکهای فدائی خلق
در رابطه با

انفجار در استاداری خراسان

سوسنان عزیز! کارگران! دستهانان! دانشجویان! دانش آموزان!
کارضدان! اکسپر! روحانیان و بازگانان آزادیخواه غراسان!

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز دو شنبه ۲۱ بهمن ماه، یک واحد از زمینه‌گران "سازمان چریکهای قد ائی خلق"، بسب ساعتی نیرومندی را در محوله استانداری خراسان کارگزاری نمودند که پس از نیم ساعت با حدای مهیبی منفجر گردید. حدای این انفجار که در قسمت بزرگی از شهر مشهد شفیده شد، پیام آور نبریه‌ای تازه بود که چریکها بر پیکر دولت مزبور شاه وارد آوردند. این عملیات بخاطر بزرگی است سالروز رستاخیز سیاھکل و در رابطه با آن انجام گرفت. هم‌زمان با این عملیات خبریه‌های دیگری نیز در سایر شهرستانها به دشمن وارد آمد که عبارتند از:

۱. انفجار شدید پاسگاه ژاندارمری، لاهیجان

۲. انفجار در شهریانی بابل

۳. انفجار در پاسگاه ژاندارمری سلیمانیه، تهران.

اکون لازم میدانیم به مناسبت این انفجارها مطالبی را برای حموطنان، عزیز توضیح بدیم:

"سازمان چریکهای قد ائی خلق" چیست و اعضای آن کیستند؟

حموطنان عزیز! در وطن ما مشتی کارمندان عالیرتبه، بزد و فاسد و سرمایه داران نوکر خارجی هستند که شاه خائن و آدمکن رئیس شان است. این عده که طبقه حاکمه‌ی کشور را تشکیل میدهند زندگی خوش و نرمی دارند و از بهترین نعمات زندگی برخوردارند.

براه می اندازند و نوشته شائی بدهین عضون : "ما خوانان جامعه" بی طبقه هستیم "با خود حمل میکنند . ولی بلا فاصله مأموران مزدور گارد دانشگاه به آنها حطه میکنند . دانشجویان را انهض تظاهرات را به خیابانهای شهر میکشانند و از طرف مردم عدم حمایت میشوند ، پلیس هم به آنها حطه میکند و حتی اقدام به تیراندازی مینماید . شایع است که سه نفر از دانشجویان دانشگاه مشهد در اثر تیراندازی پلیس ، مزدور شهید شده اند . حکومت شاه ، حتی روحانیان بزرگ و سرشناسی را که حاضر نبوده اند از دستگاه عالیه مردم کش شاه تعریف و تمجید کنند و با آن مخالفت کرده اند ، رزانه تبعید و زندان نموده .

شاه و دار و دسته، جنایت کارش از زیشن شای مختلفی برای خفه کرد ن اعترافات مرد را استفاده میکند آنها تا آنبا که بتوانند مردم را فریب میدهند و سعی میکند آنها را با تبلیغات گوناگون سرگرم ساخته و مطیع خود نمایند، یا آنکه با ارادن برخی امتیازات کوچک و محدود که یک هزارم حق مردم هم نیست را تبلیغ غراوان روی آن، سعی میکند مردم را فریب بدیند و از اعتراضات آنها جلوگیری کنند. در صورتی که عده ای از مردم فریب ایمن دغدگاری ها را نخورند و به مبارزه با دولت شاه خائن اراده بدیند، این دولت میکشد آنها را به رو طریق از محنه، مبارزه خارج کند؛ بدین ترتیب که از طرفی سعی میکند باد ادن رشوه و مقام عده ای از زهبران مبارزه را بخورد که البته در این کار خود زیاد موفق نیست، زیرا افراد ضمیف النفس و سود جود را محفوظ مبارزات مردم کم مستند، از طرفی دیگر اکثرب تاطع مبارزین را که خواهان اراده، مبارزه مستند و قریب تبلیغات و پول و مقام را فیضخور ند دستگیر و زندانی شنکنند مینماید تا پلکه آتش مبارزه را برای مدتی، هم که شده خاموش سازد.

دولت شاه همچنین برای سرکوب اعتراضات دسته جمعی مردم، از دستگیری وسیع و حطمه و تیراندازی به مردمی که برای گرفتن حق خود پیاخته اند عیین ابایی ندارد.

بدینوسیله شاه شائن و همدستان کشیفشن، از کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۶ به بعد

در مقابله آنها، میلیون ها مردم زحمتکش و رنجبر ما از کارگر و دستگان و دانش آموز و دانشجو گرفته تا کارضد آن و کسبه وغیره وجود دارند که عصیشه در زجر و عذاب مستند و روز بروز زندگی برایشان سخت تر میشود و هر روز آرزوی روز بین را دارند . با آنکه ساختمان و کارخانه و مزارع در کشور ما روز بروز بیشتر میشود هر ولی مردم طه شهر روز بد بخت تر و فقیرتر میگردند . کالاها و اجنباس گوناگون زیادتر میشوند ولی قیمت شان هم روز بروز بالا میروند . چرا ؟ برای اینکه تمام مملکت در چنگ عشی کارضد آن عالی رتبه درجه و فاسد و سرمایه داران نوک خارجی است . همه چیز طال خود شان است و به میل خود شان خون مردم را در شیشه میکنند . با این حساب، تنها راهی ذه برای خلق زحمتکش ایران باقی میماند این است که با این طبیته حاکمه، ظالم و غارتگر مبارزه کنند و باتند اوم و پیگیری در مبارزات خود در یک نبرد طولانی میتوانند .

در پیش از آنکه گذشت، خلق ما همواره با طبقهٔ حاکمه و با حکومت غاسد دست نشانده بیارزه کرده است ولی این مبارزات بطور کلی شکل غیر مسلحانه داشته و حد اکثر آن اعتراضات تظاهرات و میتینگ‌های سیاسی بوده. اثر هم در ضمن، شورش‌های خشنی در اینجا و آنجا به وقوع پیوسته، بصورت یک شورش تند و نامنظم و گرانده بوده که بدون رعایت سازمان یافته و بدون برنامهٔ مشخص و حساب شده، اجام گرفته، شاه خائن که نوکر دست نشانده، سرتاییه دران خارجی و بخوبی سرمایه داران آمریکائی است، به کله جاسوسان گفیف، سازمان اضیت و کارشناسان آمریکائی این بسادگی توانسته اینگونه مبارزات را در نطفه خفه نماید. مردم وطن ما خود بخوبی میدانند که رژیم شاه خائن چگونه اعتراضات حق طلبانه، مردم را با زور سرنیزه سرکوب میکند و مبارزین را روانهٔ شکنجه گاه و میدان‌های اعدام می‌ماید. در عصین شهر شهد حکومت شاه بارها اعتراضات را تشجیعیان را شکنجه شده را وحشیانه سرکوب کرده است و انشجیویان مبارز و اعتراض کننده را با زور و تهدید خاموش ساخته. مثلاً در روز ۱۶ آذر، ماه اصلال را تشجیعیان را شکنجه شده، به مناسبت روز را اشجو، تظاهراتی در محن داشتگان

اقدام نمود ، ولی روزنامه‌های شاه فقط نوشتند که فاتح یزدی با گوله کشته شد و نامی از مان برداشت ، در حالیکه ما در محل اعلامیه پخش کردیم و مردم همه فهمیدند سازمان ما ، یعنی سازمان چریکهای شاهی خلت "این کار را کرده است . " یا در تاریخ ۱۰/۹/۱۳۵۲ چند تن از رژیوندگان سازمان ما سرگرد علی نقی نیک طبع را که جنایتکار معروفی بود و کارش شنکجه کردن زندانیان سیاسی بود در نزدیکی کاخ شاه و کاخ نخست وزیری متوقف کردند و او را همانجا تیرباران نمودند . پس از این کار در ماشین او بمب ساعتی گذشتند و بدینوسیله دو شکجه گرم صرفه دیگر را که برای بازدید سخنه آمده بودند ، نابود ساختند . با اینکه این خبر بلا فاصله در تهران پختن شد ، باز رژیم شاه کوشید که این موضوع را تاحد ممکن کوچک و بی‌اهمیت جلوه دهد و بدین ظنطور در مفهوم روزنامه عالی جبره خوار خود چند سطر خبر را به صورتی ناقص و نادرست مندرج کرد و فقط نوشت که یک کارضد به نام نیک طبع با بصیر اصطلاح "خرابکاران "کشته شده است . شاه دوستدارد که ما را خرابکار معرفی کند ، آری طد خرابکنندگان نظام شاهنشاهی هستیم ، ما ویران کنندگان این استبداد و خونخواری دو هزار و پانصد ساله ایم . ویران کردن این ساختمان کهنه و پوسیده ، برای بنای جامعه‌های نو و مترقی و شهادتگران ضرورت دارد . برای بنای حکومت خلق ، باید نخست حکومت شاهنشاهی را که در این آن دیگر سرآمده است خراب و ویران کرد .

شاه میکوشد که خلق را از وجود ما بی خبر نگاذارد ، ولی ضرباتی که ما بر پیکر طبقه حاکمه و حکومت ننگین شاه میزنیم و تبلیغاتی که در پناه آتش اسلحه میکنیم ، خلق را از وجود ما با خبر خواهد ساخت . شاه میکوشد که ما را دشمن خلق صرفی کند ، ولی خلق میبیند که دشمنان خونخوارش بدست ما کشته میشوند و میبینند که عاچگونه جان خود را پاکبازانه در راه رهایی مردم زحمتکش خدا میکنیم . روز بروز گرایش مردم زحمتکش بسوی ما بیشتر میشود و بیشتر ما را مورد پشتیبانی مادی و معنوی خویش ترار میدهند ، در اینجا ما خاطره رفقای شهید مشهدی خود را که با ایثار خون خود نهال جنبش

با خفه کردن دکتر گونه حدای حق طلبانه مردم توانسته بودند محیط امن و آرامی برای فرمانروائی خود به وجود بیاورند . اما این وضع زیاد طول نکشید و رستاخیز روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ وضع را بکلی عوض کرد . بدین ترتیب که در این هنگام سازمان ما و سازمانها و گروههای انقلابی دیگر ، به این نتیجه رسیده بودند که باید مبارزه سلحانه با دشمنان خلت یعنی شاه و دسته سلطنت را شروع کنند و بدینوسیله مردم را به تدریج بخود جلب نمایند تا اینکه ارتشی نیرومند از خلق سلطکش و رنج دیده ایران بوجود آید و تحت رهبری حزبی که در این شرایط انقلابی بوجود می آید حکومت شاه را سرنگون سازد و حکومتی که نوکر سرمایه داران خارجی ناشد و منافع خلق را در نظر بگیرد بر جای آن بنشاند . در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ ، برای اولین بار یک دسته از رژیوندگان سازمان ما به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل ، از توابع لاهیجان که جان و مال و ناصویه ، مردم منطقه را مورد تجاوز قرار دید از سلحانه عطه کرد ، پاسگاه را خلیع سلاح نمود و چند تن از مأموران فاسد و تجاوزگر را نابود ساخت و به سزا اعمال ننگین شان رساند . از آن تاریخ ناکلون که ۴ سال تمام میگذرد ، سازمان ما برای اینکه مردم را از وجود خود و از هدف اشای خود آگاه کند و هرچه بیشتر نقشه‌های خد مردمی شاه خائن را فاش نماید و راه دوست‌بازاره با حکومتی راکه هر روز بیشتر از قبل باعث بدختی و سیه روزی مردم زحمتکش میشود نشان دهد ، عملیات بسیاری انجام داده است . سازمان ما در سراسر ایران فعالیت میکند و بمه آگاه کردن مردم و متحدون کردن شان اقدام مینماید . علاوه بر سازمان ما ، سازمانها و ترویج‌های انقلابی دیگری نیز وجود دارند . این سازمان‌ها ناکلون عملیات انقلابی گوناگونی انجام داده اند ولی دولت شاه در مقابل این امروز تا حد ممکن سکوت کرده و سمعی میکند این عملیات را از خلق ایران پوشیده نگاهدارد و در آنجا هم که سکوت دیگر ممکن نیست حتایق را در گرگونه جلوه میدهد . مثلا در تاریخ ۲۰/۵/۵ یک گروه از رژیوندگان سازمان ما در روستایی از اتوبانهای تهران مانین محمد فاتح یزدی سرمایه دار مصروف ، و پیش راست شاه را که با کمل زاندارم بیست نفر از کارگران را نشته و عده ای را زخمی کرده بود نگاهداشت و او را همانجا

شهید حمید توکلی و همسر رفیق شهید سعید آریان که بخاطر شرکت در مبارزه بر علیه شاه خائن و اربابان خارجی اش و دفاع از منافع مردم زحمتمند در سال ۱۳۵۰ دستگیر شده است سال زندان محکوم گردید یاد کیم یه پایمردی و مقاومت آنان درود بفرستیم .

* * *

هموطنان عزیز !

اکنون که ما در آستانه پنجمین سالروز جنبش مسلحه سیاحکل هستیم ، در ارتباط با بزرگداشت این روز تاریخی ، درست به این عمل سیاسی - نظامی هشدار دهنده و افسارگرانه (یعنی انفجار در استانداری) زده ایم . مظنو را از انجام این عمل وارد ساختن ضربه روحی به دشمن ، آگاه ساختن خلق نسبت به فجایع حکومت شاه ، تقویت شور و احساس انقلابی وضد دولتی در مردم ، اعلام وجود و اعمال قدرت نیروی انقلاب و خلاصه ، ایجاد ارتباط معنوی بین خلق و فرزندان پیشروش ، چریک های انقلابی است .

چرا در استانه ای بمب متفجر کردیم ؟

ما با این عمل مسلحه خود میخواستیم بر یکی از مشکلات اساسی اکثریت مردم مشهد و استان خراسان انگشت بگذاریم و آن اعتراض به دزدی و چیزگیری هایی بود که شاه و نوکرانش از اموال آستان قدس رضوی " انجام میدهند . شاه تولیت آستانه را به عنوان دارد و استاندار آستان قدس رضوی (ولیان) تعاینده او در انجام این کار است . بدینجهت ما به عنوان اعتراض به ظلم وستم درستگاه اداری دزد و ناقد آستانه و سردارسته آنها شاه خائن نسبت به مردم استان خراسان و بخصوص شهر و روستاهای مشهد به عنوان اعتراض به بهره کشی و حشیانه آنان از خلق و دزدی

آزادی پختن خلق ما را آبیاری کردند گرامی میداریم و ایمان کامل داریم که راهی را که آنها آغاز نمودند در یک مبارزه طولانی و با شرکت تمامی مردم برای نابودی حکومت خاندان فاسد پهلوی که تعاینده طبقه حاکم خونخوار ایران است بطور کامل و پیروزمند آنها پایان خواهیم رساند .

گرامی بساد خاطرمه رفتاری شمیمه مشهدی :

- ۱ . رفیق مسحود احمد زاده فرزند آقا طاهر احمد زاده ، لیسانسیه ریاضی (افسر وظیفه) که در تاریخ ۱۱ آسفند سال ۱۳۵۰ بدست مژدواران سازمان امنیت بشهادت رسید ، او نویسنده ی کتاب درخشنان " مبارزه مسلحه " است .
- ۲ . رفیق مجید احمد زاده ، برادر رفیق مسحود احمد زاده ، دانشجوی دانشگاه صنعتی که در ۱۱ آسفند ۱۳۵۰ بوسیله مژدواران کثیف سازمان امنیت بشهادت رسید .
- ۳ . رفیق امیر پرویز پویان ، یکی از فرزندان شریف و تحقیقی کرد " مشهد " که در سال ۱۳۵۰ بوسیله مأموران سازمان امنیت به شهادت رسید ، او نویسنده اثر درخشنان " خسروت مبارزه مسلحه " و رد تئوری بقا " است .
- ۴ . رفیق حمید توکلی ، از اهالی مشهد و لیسانسیه زبان انگلیسی که در اسفند ۱۳۵۰ بوسیله مأموران سازمان امنیت بشهادت رسید .

- ۵ . رفیق سعید آریان ، از اهالی مشهد و عکاس که در زستان سال ۱۳۵۰ بوسیله مژدواران کثیف سازمان امنیت به شهادت رسید .
- ۶ . رفیق مهدی سوالوتی ، لیسانسیه فیزیک از اهالی مشهد که بوسیله مأموران سازمان امنیت در اسفند ماه ۱۳۵۰ به شهادت رسید .
- در اینجا لازم است که از پدر مبارز و صیہن پرست رفتاری شهید خود ، مسحود و مجید احمد زاده ، آقای طاهر احمد زاده از مبارزین سرشناس ، مشهد که یعنی از تحطی و حشیانه ترین شکجه ها به ۷ سال زندان محکوم شده است و همچنین از رفیق شهیدن توکلی ، خواهر رفیق

روستاهای کشور را شت که پر از آن ، این روستاهای را فروخت و با بول آنها کارخانه و بانک و شرکت وغیره در داخل و خارج ایران تأسیس کرد . یک نمونه هم از دزدی های او ، اموالی است که از آستانه غارت میکند . مثلاً طبق آماری که خود دستگاه اداری دزد و ناسد آستانه منتشر کرده در سال ۱۳۴۷ آستانه مجموعاً ۳۸ میلیون تومان درآمد داشته . از این مقدار در حدود ۱۶ میلیون تومان آن خرج دستگاه اداری شده ، یعنی به جیب خودشان رفته . ۱۵ میلیون تومان دیگر هم سرت سرمایه کداری وغیره شده که آنهم وضعیت معلوم است و فقط ۷ میلیون تومان امور خیریه شده . البته این رقم بنایی است که خودشان منتشر کرده اند و بهیچوجهه دزدی پنهان و نامرئی آنها را نشان نمیدهد و فقط میتواند قسمتی از دزدیهای آنکار آنها را نشان دهد ، تهمت زیادی از درآمد بای آستانه مستقیماً به جیب خود شاه میبرد و شوت بیکران او را بیکرانتر میکند ، شاه علاوه بر دزدی های پنهانی از اموال آستانه ، سالانه مبلغ کلانی هم به عنوان حق التولیه از آستانه حقوق عیگیرد ، این داتماً شر آور است ، معلوم نیست این شمه پون و شوتی را که با حرض رویهم انبانته میکند ، برای جیست . غالباً اینجاست که از این ۱۶ میلیون تومان خارج دستگاه اداری فقط مبلغ ناچیزی را بکارگران و کارمندان جز آستانه میدهد . تهمت اصلی آن را کارمندان عالیرتبه و خود شاه میگیرند ، مثلاً کارگر آستانه میگفت که روزی هم تومان حقوق میگیرد و یک نارگیر پیر دیگر با حقوق ماهی ۲۰۰ تومان بازنشسته شده بود . با این حساب در واقع آستانه ، تجارتخانه شاه و دارو دسته او است . در سال هم سرومهد ائم راه می اندازند و گوشه ای را تعمیر میکنند و چندین برابر پای آستانه مینویسند . حتی خسوس و متشد درآمد آستانه هم خرج خودش و خرچ امور خیریه نمیشود ، بقیه را شاه و کارمندان عالیرتبه دستگاه آستانه به جیب میزنند .

دستگاه اداری آستانه چگونه مردم را غارت میکند ؟

درآمد آستانه از پیهار منبع زیر تأیین میشود :

وچپاول اموال آستانه بوسیله آنان تصمیم گرفتیم که بسب نیرومندی در استانداری خراسان کار بگذاریم . اکنون در اینجا لازم مید اینم که درباره دستگاه اداری دزد و فاسد آستانه و سر درسته آنها شاه خائن و پیغمابرگری هایشان از مردم زحمتش وطن ما مختصراً بیان داریم : درآمدهای آستانه بسی جیب چه کسی میرود ؟

همه مید اینم که "آستان قدس رضوی " در ای شروتهای عظیمی است و سالیانه میدهند میلیون تومان درآمد دارد و نیز همه مید اینم که این شروت عظیم در درست خودشان است و درآمدها و مخارج آن مستقیماً زیر نظر خود اöst و به اصطلاح دولت ، یعنی وزارت خانه ها و ادارات دولتی در آن رخالت ندارند ، اما هیچکس نمیتواند که این شروت ها چگونه محافظت میشود و این درآمدهای عظیم چگونه خرج میگردد . البته همه مردم از این حقیقت با خبر نهستند که درآمدهای آستانه را شاه و مأموران فاسد تن مید زند و صرف عیش و عشرت خود میکنند ولی هیچکس از چگونگی و جزئیات آن باخبر نیست .

هموطنان عزیز !

این شاه جلال و آدمکش چنان خلق ما را بزنجیر کشیده و چنان زبان مردم مارابسته است که هیچکس نمیتواند از او بپرسد این پولها را که او مأمور مصرف به اصطلاح خیریه آنهاست چه میکند ، به چه مصرفی میرساند و به چه کسی حساب پس میدهد ، او هم از فرصت استفاده کرده و تا میتواند اموال آستانه را مانند سایر شروتهای وطن ما غارت میکند . شاه اکنون از بزرگترین شروتمندان جهان است و شاید شروتمندانی نظیر او در جهان اندگست شفار باشند . پدر او یک سرباز ساده قراق بود که در هفت آسمان یک ستاره نداشت . حالا پسر همان سرباز آسمان جلد در عرض پنجاه یا شصت سال ، به یکی از بزرگترین شروتمندان دنیا تبدیل شده است . از تا سال ۱۳۲۹ ، گذشته از سایر اموال منقول و غیر منقول ، فقط ۲۰۰۰ (دو هزار) روستا از بهترین

۱. درآمد حاصل از کشاورزی و زمین های زراعتی آستانه .
۲. درآمد کارخانه ها ، شرکت ها و معدن آستانه .
۳. درآمد از محل اجاره بهای ساختمان ها وارانی شهری .
۴. نذری ها و هدایای مردم .

در زمین های موقوفه آستانه خون دهقانان را به سوت های مختلف میگند :

زمین های مکانیزه آستانه که اغلب دهستان از کار بیزار و آواره شده اند ، زمین های راهنم به دهقانان اجاره داده اند ، یا ثبات ها و چشم های آنها در اثر تصرف نشدن خشکیده دهقانان را آواره ساخته ویا آنقدر اجاره سنگین است که دیگر چیزی برای دهقانان باقی نیاند . قبل قرار بود که این زمین های اجاره ای را به دهستان مستأجر به منظور تبدیل به سین آن بفروشند ، و حتی چندین سال مبلغی را هم گماز آنها گرفته اند قرار بود بابت سط زمین حساب کنند ، ولی آنون پشیمان شده اند و میخواهند با لک های مختلف دهقانان از زمین ها بیرون کنند و زمین ها را مکانیزه نمایند و با کارگر روز مزد اداره کنند ، ولی فعلا ترس دهقانان جرأت بیان این حرف را ندارند و پنهانی دارند نقشه میگذردند ، مثلا هرجما ای چشم های ویران میشود ، دیگر آبادن نمیگذند تا خود دهقانان زمین را بگذارند و بروند نیزند های دیگر . دستگاه اداری آستانه خیال دارد یا خودش زمینها را مکانیزه کند یا آنها از دهقانان بگیرد و به سرمایه داران بزرگ اجاره بدند .

در کارخانه ها و شرکتها و معدن آستانه هم ، درست مانند سرمایه داران دیگر از رگان و حشیانه بهره کشی میگذند . وضع این کارگران در بسیاری از موارد حتی از کارخانه های کارگاهی دیگر هم بدتر است ، مثلا کارگران کارخانه های تند شیرین ، تند آبکوه ، تند چنانی همگی مال آستانه است ، چند ماه از سال بدون دیرافت حقوق بیکار مستند و در واقع به درسته میگذند ، دستگاه آستانه هم هیچ فکری برای مدت بیکاری آنها نمیگذند . در کارخانه های دوناتسازی ، نان ماشینی ("نان قدس رضوی") و چندین سردخانه وغیره هم

که مال آستانه است ، باز کارگران و کارضدان جزو از وضع خوبی برخوردار نیستند . تمام کارگران کارگاهها و تارشانه های آستانه هم مانند سایر کارگران ایران از حقوق اجتماعی و تضامنی سالم صحف و سند یکائی محروم نستند و توجهکریں حریت آنها در مبارزه برا دیرافت خود زیر نظر مأموران سازمان امنیت است و بوسیله عقد اداری بندان حکومت شاه سرنگوب میشود . آستانه از محل اجاره بهار ساختمان ها و زمین های شهری هم درآمد کلانی دارد . مثلا در سال ۴۴، در حدود ۱۵ میلیون تومان از مردم عشهد اجاره دیرافت کرده است که البته آنون این عقد ارشیلی بیشتر شده است . نسبت اعیان زمین های داخل شهر عشهد مطلع به آستانه است و از عهابیان این زمین ها سالانه اجاره دیرافت میشود . علاوه بر این ها کارضدان آستانه هم از طریق بند و بست با بنگاه داران و لالان زمین و روشه گرفتن از ساکنین این زمین ها ، دادن زمین به آشنايان حود و خلاصه تصرف و تملک زمین ها و به عالیت غسود در آوردن آنها درآمد سرشاری دارند . اشخاص متفاوت در دستگاه آستانه همه معمولاً مقدار زیادی از زمین های آستانه را به ناخود کرده اند . اخیرا ولیان سئه لایه شاه ادعای کرده که میخواهند اداره اصلی آستانه را گویا اصلاح کند و سروحدات ای این مورد راه اند اخته ، ولی هنر املی او این است که فشار را بر مردم بیشتر نموده و اجاره ها را راسرو وقت میگیرد . او حتی کسانی را ده اجاره را سر موقع نیردازند و ستور میدهد که آب در بن شان را قطع کنند . ولیان را شمش میشناسند . او یک دزد شناخته شده و یک نورگوش بفرمان آمریکائی بود . او سالها در آمریکا برای غارت مردم وطن ما تعلیم دیده . او عضو سازمان جاسوسی سیا است و به دستور آمریکا ده سال مأمور اجرای برنامه اصلاحات ارضی بوده و در این مدت پجه حق های را که ناچن نکرده و یه بند بست های کشی که نموده . میلیون هاده هقان را او بی حقوق و آواره کرده تا دل ارباب ها را راضی کند . او نمی خواهد به نفع مردم کساری کند ، بلکه عیخواه دست دلالهای کوچک را کوتاه کند و کاری کند که درآمد آستانه بیشتر نمود تا پول بیشتری به جیب خودش و شاه برود . او بهیچوجه به فکر مردم نیست . تازگی ها

خیال دارد مبلغ اجاره ها را افزایش دهد و برای این کار نقصه میکند .
یکی دیگر از منابع مهم درآمد آستانه ، نذری ها و هدیه های مردم است که پسادر درون
ریح ها می ریزند و یا به ارادات آستانه تحويل میدهند ، دستگاه آستانه در زدن بیان
شتر این پولها و هدایای بی زبان کاملاً آزاد است و تا میتوانند از آن چیاول میکنند . البته
ای کارمندان جزو این کار میسر نیست ، زیرا آنها دقیقاً کنترل میشود ، ولی برای کارمندان
لیزتیه دیگر قصیه به این صورت نیست و ریش و قیچی دست خودشان است .

هه باید کرد ؟

با طرح این مسائل ، بلا فامله این سؤال پیش می آید که تکلیف چیست و چه باید کرد ؟
ید گفت ، مسئله آستانه ، یکی از مسائل و مشکلات متعدد کشور ما است . این مسئله را به
همایی نمی توان حل نزد . باید ریشه و علت اصلی تمام بدختی های مردم کشور ما را پیدا
و بود . چنانکه قبل از کفیم در وطن ما میلیون ها کارکرو در قان زحمتکش و کسبه جزو وجود
ارد که به زحمت شکم خود را سیر میکنند . علاوه بر این ، کارمندان و روحانیان و بازگانانی
م وجود دارند که اگر چه دستشان به دهانشان میرسد ولی به آنها ظلم می شود و روز به روز
نهادن بدهانشان بدتر و بدتر میگردد . در مقابل این عده که اکثریت عظیم مردم کشور ما را تشکیل
دهند ، مشتبی کارمندان عالی رتبه ای دارد و فاسد و نوکر سرمایه داران خارجی ، بخصوص
رمایه داران آمریکایی و اروپایی هستند که شاه خائن سردسته آنها است ، به اضافه مشتبی
رمایه دار بزرگ که اغلب با همان کارمندان عالیرتبه و دریاریان قوم و خویش هستند . این عده
تعداد اشان یک هزار جمعیت کشور ما هم نیست ، طبقه حاکم جامعه مارا تشکیل میدهند .
بنان تمام ثروت جامعه ای ما را در اختیار دارند و همه چیز را مال خودشان میدانند . حتی
و بیابان را هم به نام خود کرده اند . موقوفات هم اگر چه اسمن موقوفات است ولی دراصل

هموطنان عزیز !

آیا چنین کسانی ، یعنی کارمندان عالیرتبه ، دولت و سرمایه داران نوکر خارجی که طبقه ای
حاکم جامعه ای ما را تشکیل میدهند ، حاضرند صاف خودشان را که از راه دزدی و غارت
خلت بع دست می آید ، از دست بدشند و رعایت حال مردم را بگشند ؟ مسلمانه ، شاه هرگز ،
را که با او مخالف باشد ، به زیر شکنجه و حتیانه و به میدان اعدام می فرستد . خودش هم هاره
ـ عـاـ به این موضوع اعتراض کرده . این کار او به چه معنی است ؟ مگر به این معنی نیست که
او و طبقه حاکم حاضر نیستند که یک ذره هم از صاف خود بگذرند و حاضر نیستند از دزدی
و غارت خلت دست پردازند و در نتیجه هر تس به آنها اعتراض کند اورا میگشند .

هموطنان عزیز !

تنها یک راه برای مردم ستم کش ما باقی مانده است : آنهم مبارزه ، مسلحانه است . مبارزه
مسلحانه برای سرنگون کردن حکومت شاه و نشاندن حکومتی به جای آن که آزادانه از طرف
توده های زحمتکش انتخاب شود . هیچ راه دیگر نداریم . اما آیا فقط باید مبارزه ای مسلحانه
کند و هیچ نوع مبارزه دیگری مانند اعتصابات و تظاهرات وغیره فایده ندارد ؟ چرا ، آنها
هم به جای خود مغاید هستند ، و ما به تدریج امکانات خود از هر گونه مبارزه ای خد رژیم حفایت

بپیوندند و یا خود سازمان های سیاسی - نظامی تشکیل دهند : اما در شرایط کنونی،
همه را توان و امکان اینکار نیست، پس باید هر کس که علاوه از خلق از دست غارتگرا را
خارجی و نوکران داخلی شان است، به قدر امکان خود و به هر صورت که برایش علی است بـ
مبارزه مسلحانه و چریکهای انقلابی بی کمک نکند . بنابراین ما از هموطنان مبارز و انقلابی خـ
می خواهیم که اعلا میه های ما را در اختیار دوستان و آشنايان مردم اعتماد خود بگذارند و اگر
این کار برایشان مغدو نیست، آن را در بجای بگذارند و یا ببند ازند که دیگران هم بتوانند
آن را بخوانند . از هموطنانی که تهیه امکانات پاپ و تکثیر بهر مردم برایشان متذکر است
میخواهیم که اعلا میه شان ما را در هر سلاحی که میتوانند تکثیر و پخش کنند . حتی رونویسـ
کردن و پخش محدود اعلا میه دا نیز می تواند قدم مثبتی در راه انقلاب رهايی بخش طی ما باشد
کلک به چریکهای انقلابی از جانب عناصر آگاه و انقلابی ، در موادری دیگر و در سطح همایی بالـ
نیز می تواند انجام دارد ، کمکهای اتفاقی به چریکها مانند کلک به فرار ، مخفی شدن و انجام
عملیات آنها که در آینده مسلمان هر چه بیشتر و بیشتر پیش خواهد آمد و خلاصه کمکهای منظـ
از طریق تعاـ مستقیم وغیره که امکانش را اکنون البته برای همه وجود ندارد ، ولی در آینده وجود
خواهد داشت . سرانجام خلق ما به ضرورت اتحاد و همبستگی و مبارزه پیکر خواهد رسید و
صفوف خود را برای سرنوشتی رژیم ننگین شاه مراکم خواهد ساخت .

برومند و شنوفان باد نورسته، مبارزه، مسلحانه، خلق ایران
نابود باد حکومت ننگین شاه و اربابان خارجی اش
جاویدان باد خاطره، رزمندگان شهید سیاھکل

چریکهای فدائی خلق

یکیم ، ولی باید به یار داشته باشیم که شاه اینگونه مبارزات را با خشنوت تمام سرکوب میکند
در نتیجه ، این کارها به تنهاei به نتیجه نمی رسد . اعتصامات و تظاهرات البته خوب است «
اعتمد شود که مردم با هم متحد شوند ، آگاهی شان بالا برزد و معنی دوست و دشمن را در
مل بفهمند ، ولی نتیجه ای نهایی نمیدهد . نتیجه ای نهایی با مبارزه مسلحانه به دست
ی آید . باید خلق ارتضی تشکیل دهد و طبقه کارگر ما حزبی بوجود آورد که این ارتضی را
بخبری نکد تا بتوانند مبارزه را به نتیجه برسانند . این کار البته سخت است ولی به تدریج عطـ
نواده شد . مردم ویتنام هم مانند ما از مفر شروع کرده اند و اکنون می بینیم که بزرگترین
ندرت دنیای سرمایه داری و بزرگترین غارتگران تاریخ ، یعنی آمریکا را شکست داده و پشت
خلق و حزب طبقه کارگر در تصور ما بوجود آمده و این نطفه ها روز به روز در حال رشدند .
بر روز عده جدیدی از روش نفرکران انقلابی و کارگران آگاه به آن می پیوندند . این
ارتضی ها و سازمانهای سیاسی کوچک ، اکنون چهار سال است در مقابله با وحشیانه ترین
خطه ای پلیس و ارتضی شاه خائن مقاومت کرده ، دوام آورده و علاوه بر این ، خریه هـای
محتسی به نیروهای شاه زده است . هم اکنون مأموران عالیرتبه ای شاه و خود شاه ،
از ترین ما چون بیلد بر خود می لرزند . دولت شاه خائن تائون بودجه هـای
ظیعی برای نابود کردن ما معرف کرده ، حتی اربابان آمریکایی اش او را مـورـد
مزمنش و توبیخ قرار داده اند و بی عرضگی و ناتوانی اش را در نسبود کردن ما
او گوشزد کرده اند ، ولی او موفقیتی در این راه به دست نیاورده . چـرا ؟
رای اینـه ما به فرمان ضرورت تاریخ به وجود آده ایم و بتای ما ، اراده ای تاریخ
ست .

اما هموطنان زحمتکش ما ، در مقابل ما چه کاری را باید انجام دهند . روشنـ
ست که آگاه ترین و پیشرو ترین افراد خلق باید به سازمان شای سیاسی - نظامی



گرامی باد ۱۹ بهمن سالروز آغاز جنبش مسلحه شاپر ایران

اعلامیه توضیحی

سازمان چریکهای فدائی خلق

در رابطه با انفجار شهر بازی بابل

در ساعت ۰۰ شب ۲۲ بهمن ماه شهریانی بابل
بوسیلهٔ بحسب نیرومندی که توسط یک واحد از رزمیه گان سازمان
چریکهای فدائی خلق کار گذاشته شده بود، منفجر
گردید. این عمل بمنظور بزرگداشت روز تاریخی ۱۹
بهمن، سال‌گذرا آغاز جنبش مسلحه خلق ایران و
بخاطر ستمهای بی‌حدی که شهریانی بابل در حق
مردم این شهر کرده بود صورت گرفت. در رابطه
با این روز تاریخی عملیات دیگری نیز بوسیلهٔ واحد های
دیگر سازمان چریکهای فدائی خلق صورت گرفته

است.

۱. انفجار شدید مرکز گروهان زاندارمی
لایجان در ساعت ۱۰ شب ۱۹ بهمن.

سازمان نه خلتنی امنیت کوچکترین جوانه های
طنهیان را ریشه نم کرد ، انبوحی که نصال از ترس
در دل خلق کاشت . افسانه پلید تقدیر تری رژیم
جنایت پیش بزرگانها افتاد . فاشیسم هر روز بیشتر
تاریخی جهنمی خود را چون عنکبوت خونخوار بد ور
اند یعنیه های عبارزاتی می تند ، همه از همیترسیدند
که مبارا مسروکارشان به سازمان امنیت و شهریانی
بیافتد خلن از درد بخود می بینید و درین چاره
بود که این راغ نند را از چهره اش پاک ننمود و
بدینسان لازم شد پیشگامان دلاور خلن درد امان
میهن پرورش یابند . عموداره ضرورتهای تاریخی
باعث بوجود آمدن عناصری میگردد که با آن ضرورتها
جامه عمل بپوشاند . دلاوران جان بکش ، پیشگام خلش
ضرورت شکستن لسلم تقدیر تری رژیم را بسر دوشن
گرفتند و در جنگ سیاھکل تاریکی ۱۷ سال خفت
را دریدند و آوازی جان بخش گوله های خشم

۲. انفجار در پاسگاه زاند ارمی سلیمانیه
در تهران ساعت ۹ شب ۱۹ بهمن .
۳. انفجار در استانداری خراسان در ساعت
۷/۵ بعد از ظهر روز ۲۱ بهمن

* * *

خلق مبارز ایران !
میهن پرستانه ازند ران !
مردم زحمتکش بابل !

سالها از بی دم گذشتند ، ۱۷ سال خفت بار ،
۱۷ سال امپریالیسم جهانی بکٹ نوکر سرسپرد هاش
شاه خائن میهن ما را غارت کرد بدون آنکه خطیری
جدی پایه های دستگاه جنایتکاری را بدیزاند .

تن ند اد زیرا که جنبش مسلحه یک نیاز اجتماعی بود . خلق خفته تکان خورد و در دامانش فرزندان راستینی را پرورش داد که رشد یافته ترین آنها را بهموف انقلابیون پیوستند و سلاحهایی که بر زمین افتاده بود بدست گرفتند ، دشمن هار شده بود ، بسیاری از عناصر آگاه را به بند کشیده و حکومت نظامی پنهان را آغاز کرد . شرایط برای مبارزه فون العاده مثلث شد . امپریالیسم جهانی آخرین تکنیکهای سرکوب را بکار گرفت تا مانع رشد جنبش شود . دیگر دیر نمده بود . گروههای جدیدی با اهالی از راه مبارزین خدایی سیاحکل تشکیل شدند و گروههایی که بد لیل ، ناگاهی از روش نوین مبارزه ، منی اپورتونیستی را شتند صادقانه از خود انتقاد کردند به مبارزه مسلحه روی آوردند . دشمن آخرین تلاش خود را بکار گرفت تا جوییار را از مرچضمه بخشید که ولی سینه خلق که در ولی سالها سکوت

را بگوش خلق رساندند . خلق اسیر از شیخان
تب کرد . ۱۹ بهمن سر آغاز تاریخ نوین مبارزه از
بطن ۱۷ سال سکوت سر برون آورد و در امان
خلق شروع به رشد کرد . ۱۹ بهمن ۹۴ روز پر شکوهی
شد که خلق در مقابل دشمن ایستاد . امپریالیسم
که نیک دریافتی بود صریش از چنین روزی آغاز میگردد
با تمام نیرو به مقابله با دلاوران پیشگام خلق برخاست .
شهدای سیاهکل تا آخرین گوله خود را راه رهائی
خلق چنگیدند و خون خود را برای باروری انقلاب
شار آزادی میهیں کردند همزمان دلیر شهر نیز
در قلب دشمن به کاخ ستم شلیک کردند و سکوت
مرگبار را در شهرها شکستند . دشمن در شهر نیز
با تمام امکانات خود به مقابله با جنبش برخاست
عکس‌های انقلابیون را پنهش کرد و با وقاحت تمام
از خلق خواست که پاک ترین فرزندان خود را تحويل
ردند تا نهیان زمان آرام گیرد . اما خلق با این نشان

از گینه انباسته شده بود شردم شکافته میشود
و چشمها ای جهید بوبورد میآورد، سازمان چریکهای
福德ائی خلق که هدنش ایجاد چنین شرایطی برای
رشد نیروهای انقلابی خلق بود با ازبین بردن
تمام دشواریها و موانع و بدون راشتن کوچکتریس
تربید در درستی را اشش مبارزه میکرد و قوانین
جنگ را تجربه مینمود. نیروهای انقلابی خلق که
بی تجربه بودند زود خوبی میخوردند. تشکیلاتی
واسع لازم بود که تمام نیروهای انقلابی را در پنهان
یک سازمان یا یک جبهه تمریز سازد ولی دشمن مجال
چنین کاری را نمیدارد. خلق با پیروزش انقلابیون
جدید به حمایت از چنین پرخاست تا سرانجام
پس از ۴ سال، مبارزه بی امان و دادن دهمان
شهید از پاک ترین فرزندان خلق سازمان چریکهای
福德ائی خلق در بامنه ما تثبیت گشت. برای پیروزی
انقلاب تنها فدائی بودن کافی نیست، باید قوانین

جنگ را آموخت و آنها را بکار برد.
آنون چهار سال از آغاز عبارزه سلحنه در
میهن ما میگذرد، مبارزات خود بخودی اقتدار مغلبت
خلق او، بیسابقه ای درنجه است و در طی این
مارازات خود بخودی عناصر پیشگام رشد میآیند و به
غیرورت مبارزه سلحنه بی میبرند. اما رژیم مینوشید
باشکال مغلبت خلق و به همراه بوانان را از مبارزه
دور نگهدارد. توطنده سکوت، سعی جهید رژیم
برای کم اهمیت جلوه دار و فعالیت مبارزین وی خبر
نگهدانش خلق از جنبه سلحنه است ولی عصلا
نظام نیزهای پلیسی خود را برای مقابله با جنبش
بکار میگیرد تا مانع رند آن گردد.
و تلیفه اقتدار خلق در مقابل این توطنده و تزویز
آنست که اخبار مربوط به عطیات مبارزین و جنبشها
خود بخودی مردم را بیکدیگر برسانند و یا توجیکریس
امکان، مخالفت خود را با دستگاه غارتگر باشکال

مکنه آشکار سازند تا هم نیروهای پلیس، راهنماین
درگیر ساختن با خود متفرق کرده و هم روی آنها
تأثیر انقلابی بگذارند و عنابر ناگاه را که در اثر
فشار اقتصادی به خدمت ننگین پلیس خود خلقی
درآمده اند از جنایتی که مرتب میشوند آگاه ساخته
و هم سبب رشد عنابر پیشگام از درون خود گردند.
دانشجویان که از امکانات بپترن برخورد ارنده
برای نشان دادن نارنایی خود از دستدار جنایتکار
شیوه های گوناگون قهر آمیز ابداع کرده، مزد و ران
رزیم را بزانود ر میآورند. دانشجویان که در ای آگاهی
سیاسی هستند به تظاهراتی دست میزنند که در بالا
بردن آگاهی سیاسی خلق تأثیر زیادی دارد.

سازمان چریکها، فدائی خلق تذاکرات
قهر آمیز دانشجویان را که ناگای در راه تسوده ای
شدن مبارزه است تأیید کرده از اقتدار خلق میخواهد
که از این فرزندان راستین خود حمایت نمایند تا

رزیم جنایتکار پهلوی براحتی قادر بمرکوب جنبشهاي
دانشجوئي نباشد.
عنابر پیشگام خلق که در سازمانهاي بهارز
مشتمل شده اند از اين عبارزات خود بخودی تسوده
بطور سلحنه حمایت کرده و به دشمن تهربات تلافی
- جويانه را در میسازند. ولیز، آنکه عاد رشرايط
گونی ویژه ايران از مبارزات خود بخودی حمایت
کرده و با آن ارج می نهیم آنست که توده امکان بهارزه
عنهکل را دارائیست. نهضتین مبارزات اقتصادی
توده پیون مستقیما با صافع سرمایه داران بهانی
تضاد دارد شکلی سیاسی خود میگیرد. مثلا در
بابل: مهره های خود فروخته سرمایه داران یعنی
شهردار و رئیس انجمن شهر دانسته یا ندانسته
برای تأمین منافع اربابان خود تهمیم میگیرند که
گاریها را در شهر نابود سازند و بجان آنها ماشین
- های ساخت سرمایه داران جهانی را جانشین

سازند . این نوگران خود فروخته بدون توبه به ضرورت اقتصادی و بیوود گاری در شهر میخواهند با زور آنرا نابود سازند . اگر سرمایه داران جهانی با رقابت اقتصادی قادر بودند در زمان محدود گاری -ها را نابود سازند که مسئله باین صورت در نمیآید . اما در شهر روزتائی بابل یعنی شهری که اقتصادش بشدت بروستا را بسته است و بیوود گاری و تاری دستی برای حمل و نقل ، نسروی تراز ماشینهای ساخت سرمایه داران جهانی است . اما شهردار و رئیس انجمن شهر خود فروخته برای خوش ندشتی به اربابان بیکانه به بهانه زیباسازی شهر ؟ ! و مشکل ترافیک ؟ ! میخواشند که گاریها و در نتیجه گاریچی -های زحمتش را نابود سازند گاریچیها زحمتگش دست به مبارزه میزنند که پلیس ، خدمتلقی طائله میکند و با بیشمری تمام بروزی شهریهای فتییر خود باتوم میکشد و آنها را بشدت کش میزند . این

عط . جنایتکارانه مزدوران شاه خائن در سفحه تاریخ بارزات . من ثبت میشود تا در فرم متناسب با آن جواب دارد شود . در میدان شبهه ای بابل افسر مزدور شهریانی عزم را بزور از خانه هایشان بیرون میاند ازد تا خانه شان را خراب کند تا شهردار بتواند ته خانه پولی را که از بابت غارت نفت باقیمانده به بهانه زیباسازی شهر نابود سازد تا در حالیکه عزم از گرسنگی و مرغ و بیکاری رن میبرند خیابانها پهن بسازد تا یک مشت مزدور خود فروخته بمسا ماشینهای آخرين سیستم خود بر احتی از آنها عبور کند و با آسایش وقت بیشتری خون خلق را بعکس و در نصی شاه خائن برای عوایغربی و کسب آبرو زیبائی شهر را بحساب معرفه شدن زندگی عزم بگذارد . که مودت به مقابله بر میخیزند . افسر خود فروخته بیشمری را تا آنجا بالا میبرد که بروی یک هم میهن فقیر خود که از خانه بیرون نمیاده سلاخ

میکشد . ننگه براین افسر مزدور !

جاؤد ان بادخاطره روزبه آبیر که بروی
خلق خود سلاح نکشید و آتش سلاح نشود
را متوجه فرماندهان خود کرد . درود به
افسران دلیری که به هفت مبارزین میپیوندند و آتش
سلاح خود را نه بیوی خلعتی بلکه بسوی دشمنان
خلق میگشایند .

دانشجویان مدرسه عالی علوم اجتماعی و ارشادی
بابلسر که از زورگوئی مسئولین خود فروخته در مرورد
گرانی پلی کبوی ها تواقعن نحوه ارائه فذابه
دانشجویان و بیسواری استاران سخت خشمگیان
شده بودند پس از آنکه دیدند راه مسالمت آمیز
خواهش و تمنا نایده ای ندارد در پنجه و میز
نیمکت و شیشه دا راشدستند . روز بعد مزدو را ن
شهربانی بابل از ورود دانشجویان به دانشکده
جلوگیری کرده آنها را به گشتن تهدید مینمایند .

به این بیشتری عزد وران میایست بتواب را ده شود .
این اعمال بناپیارانه شهریانی و اعمال مشابه
دیگر سازمان چهاریهای خدائی خلق را برآن داشت
تا جواب دندان شکنی باین مزدوران بدشده باشند .
ناظر در سالگرد آغاز بنیتن سیاهکل بصب نیرومندی
در شهریانی کار گذاشتند . دستی که این بصب
را کار گذاشت قادر بود آنرا نیلی نزدیک اتفاق
پاسبان کار بگذرد ولی از آنها که قهر انقلابی
کفر نیست و عزد وران غریب خوردند را تا جنایت خشان
ثابت نشده باشد اعدام نمیکند برای حفظ جان
پاسبان آنرا در فامله دور از اتفاق کار گذاشتند .
در این انفجار تمام شیشه های شهریانی در رهم فرو
ریخت و بساختمان آسیب زیادی رسید . شهریانی
جنایتکار رسوای شد و خلق خوشحال گشت . عزد وران
وحشت زده بیرون ریختند . مردم برای تعاشی
رسوایی دشمن در جلوی شهریانی جمع شدند .

مزدوران از ترس، مردم را متفربه کرد و حدود ۶۰ نفر را دستگیر نموده و به مدت ۲ روز نگهداری شدند. خسرو شدن افسانه قدر قدرتی رژیم برای مردم هر روز بیشتر طموس، میشود.

در رسالگرد جنبش مبارزه مسلحانه مایاد تمام رفتای شهید و زندانی را کرامی میداریم.

گرامی باد شفاطره رفتای شهید مازندرانی:

۱. رفیق احمد فرهودی.

۲. رفیق عباس مفتاحی.

۳. رفیق اسدالله مفتاحی.

۴. دفیق مهرنوش لابرآهیمی.

۵. رفیق چنگیز قبادی.

۶. رفیق سیروس سپهری.

۷. رفیق فرج سپهری.

۸. رفیق ایرج سپهری.

۹. رفیق عباس جعمشیدی روباری.

۱۰. رفیق عباس، کابلی.

۱۱. رفیق حسن جان لنگوری.

۱۲. رفیق فرهاد سپهری.

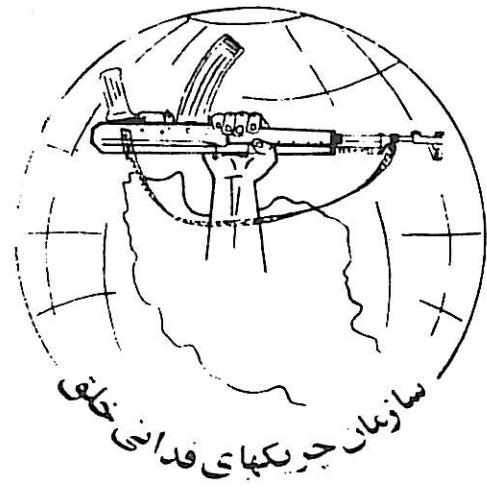
پیروز باد مبارزه مسلحانه هنرها راه

ردائی خلق

جاودان باد خاطره رفتای شهید سیاکل

مرک بر امپریالیسم - مرک بر شاه خائن

”سازمان چریکهای فدائی خلق“



گرامی باد ۱ بهمن سالروز آغاز جنبیش مسلحانه خلق ایران

اعلامیه توضیحی

سازمان چریکهای فدائی خلق

در رابطه با انفجار پاسگاه ژاندارمری
سلیمانیه تهران

در تاریخ ۱۱/۱۱/۵۳ با انفجار بسی که
توسط یک واحد از رزمدگان سازمان پریکپسای
قد ائی خلیل کار گذاشته شده بود، پاسگاه ژاند ارمی
سلیمانیه واقع در خیابان فرزانه، تهران به لرزه در
آمد. این انفجار به مناسبت سالگرد ۱۶ بهمن ۴۴
روز حمله به پاسگاه ژاند ارمی سپاهکل و پنجمین
سالگرد آغاز جنبش نوین انتلایی در ایران انجام
درفت.

انتخاب پاسگاه سلیمانیه برای این عط، هم-
چنین به خاطر نقش مؤثر است که این پاسگاه در-
درگیری خانه، جمعی یک واحد از رفقاء سازمان مأ
در سلیمانیه (شهادت رفیع، مسافاری و فرار دو تسن

از رفقا) و خانه، جمیعی یک واحد دیگر از رفقای سازمان ما در میدان نهم آبان سلیمانیه (شهادت رفیق فضیلت گلام، رفیق فرج سپهری و رفیق فرامرز شریفی) ایفا کرده بود .

در انجام عمل انفجار، مانعهای تکوشش نشود را به عمل آورده‌یم تا مدد مه ای به سربازان و درجه - داران جزء وارد نشود زیرا معتقد‌یم که این گروه از نیروهای سرکوب، خود نیز مورد ستم و استثمار قرار دارند و همیشه سپر بلاخائنین شناخته شده واقع می‌شوند . نمونه این امر در مورد اعظام توای نظامی ایران به بافار، کاملاً به چشم می‌خورد . به همین مناسبت ما به سربازان و درجه داران و افسران جزء هشدار می‌دهیم که آگاهانه تر با وظایف طلبی و میمهنی خود برخورد نمایند و سحبی کنند که از اجرای مستورات دولت مستنشانده و مافوق‌های خود در مورد سرکوب خلق ما، خود دارند نمود .

و خود را کنار بگشته .

همزمان با عمل انفجار در پاسکاه زاند ارمی سلیمانیه، عطیات دیگر، نیز به مناسبت بزرگ است رستاخیز سیاچکل، آغاز جنبش مصلحانه، خلن ما، در سایر نقاط کشور انجام گرفت .

۱. انفجار پاپیکا، گروهان زاند ارمی لاهیجان در شامگاه روز ۱۹ بهمن .

۲. انفجار در اختانه اری خراسان در شامگاه روز ۲۱ بهمن .

۳. انفجار در شهریانی بابل، در شامگاه روز ۲۲ بهمن .

کلیه، این عطیات با وقیعت انجام شد و واحد های عطیاتی به سلامت به پایگاهها خود بازگشته .

* * *

خلق، قهرمان ایران ! مردم زحمتکش تهران ! رژیم دست‌نشانده، شاه خائن که سالها با

دست زدن به خشونت بارترین شیوه های شکنجه
، اعدام ، زندان و کشتار جمیع خلق ما توانسته
بود هر گونه مدلای آزادیخواهی و اعتراض را با تکیه
بر نیروهای خود انقلابی خود ، اعم از ارتض ، پلیس
سیاسی ، ژاند ارمی و . . . در میهن غارت شده ، ما
در هم بگوید ، اینکه با شکل نوین از مبارزه بسی -
اما خلق ما روبرو شده است و "دریا آرامش"
بورد ادعای شاه ، اینکه با لیحه مبارزه مسلحانه ،
بد ریائی طوفانی تبدیل گردیده است .

در سال ۱۹۷۴ اولین خیزش نوین انقلابی ، توسیل
پیشروترین فرزندان خلق تحقیق یافت . رفتار دسته
جنگل وابسته به سازمان چریکهای فدائی خلق با
خطه به پاسگاه ژاند ارمی سیادکل ، این مرکز جمیع
و ستم طبقاتی به مقانان منطقه و خلع سلاح کسردن
پاسگاه و امدام رئیزان ، شکل نوین مبارزه را در
جامعه ما مبارح نمودند .

رفقا که معتقد بودند "اگر ریختن خون ما
موجب بیداری خلق میشود ، بگذار از خون ما رودی
خوشان جاری شود " با عط حمله به پاسگاه سیادکل
کلیه نیروهای مترقبی را به یک مبارزه حدی و پر شمر
دعوت نمودند . پاسخ مثبت پیشروترین نیروها باین
دعوت ، واقعه سیادکل را بشرستاخیزی تبدیل نمود .
رزیم که تا آن موقع با تحریانیان بی آزاری مواجه بوده
اینکه در برابر خود رزمندگان پریکی را میبیند که
بی محابا بر ظلب دشمن میبازند و بد رستی معتقدند
که تهران خود انقلابی را تنها با تهران انقلابی باید
پاسخ داد . او اینکه تهرمانانی را میبیند که با ایمانی
پولادین به پیروزی راهشان ، در روز در جمیعت تکامل
ورشه . بنابرین مسلحانه گام بدهیدی بر میدارند .
به مین دلیل رزیم نیز به بسیان کلیه امکانات خود
پرداخته و با ادغام کلیه سازمانهای سرکوب خود مثل
سازه ای ، شهریانی ، ارتض و ژاند ارمی ، کمیته های

باصطلاح نه خرابکاری تشکیل داده و با یک حکومت نظامی اعلام نشده در تهران و بعضی شهرستانها با یورش‌های وحشیانه، فاشیستی به املاکن مردم خود را بیش از پیش رسوا نموده است . . .
رژیم ضد خلقی شاء که توانسته بود با تکیه به زور سرنیزه و گسترشی فرهنگ امپریالیستی دست به غواصیری بزند اینک نقاب را از پیشه‌هه کرید خود برداشته و از پنهان کرد ن جنایتهای ننگینی خود عاجز مانده است .

کشتار جمیعی کارگران مبارز جهان چیت و کاشی ایرانا و . . . و حمله دنای مکرر به دانشگاهها و کشتار و خرب و برج و زندانی نمود ن دانشجویان مبارز، اعدام و ترور و زندانی کرد ن هزاران تن از فرزندان قهرمان و مبارز خلق ما در پیهار سال اخیر، نشانه رعب و وحشت رژیم محمد رضا شاهی از اون گیری جنبش مسلحه نوین در ایران است .

حزمان با او ب گیری جنبش مسلحه در میهن ما، در منطقه خاورمیانه نیز بتریانات حاد سیاسی و نظامی در بتریان است و نیروهای غد امپریالیستی و انقلابی در منطقه از رشد روز افزونی برخورد ار گردیده است . رژیم خود فروشنده‌هیله‌ی که میزان وابستگی این به امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا در حدی است که نمیتواند خارج از چهار چوب سیاستهای امپریالیستی قدیم بردارد اینک با بی شرمی در سرکوب جنبش‌های آزاد بیخش منطقه نیز مستقیماً دخالت مینماید . هکاری با اسرائیل در سرکوب جنبش خلق فلسطین و عرب، اعزام قوای نظامی جهت کمک به سلطان قابوس خائن در سرکوب جنبش آزاد بیخش خلق شفار، اینک به ارتباخ منطقه جهت تفعیف بعضی حکومتهای ملی، همه و همه بند ری آشناز است که خود رژیم نیز در ستگاههای تبلیخاتی خود بآن احتراز مینماید .

رژیم ضد خلقی شاه که دست استعمارگران
بیگانه را در غارت منابع ثروت ایران باز گذاشت
است و حاصل عرق جبین و دسترنج خلیق مارا تقدیم
اربابان امریکائی و انگلیسی اش میکند با بیشتر می
تمام مصاحبه های گوناگون ترتیب میدهد و با استفاده
از بلندگوهای تبلیغاتی خود اینطور وانمود میکند
که کلیه وسائل رفاه و آسایش را برای ملت ایران تأمین
نموده است . در حالیکه توده های رنجبر خلق ما
که از هر گونه نعمات مادی و معنوی در زندگی
محرومند ، هر روز گمرشان در زیر فشار هزینه های
سر سام آور زندگی و بالا رفتن قیمتها بیشتر خواهند
میگردند .

آنها شاهد هستند که چیزی بقیمت خون و عرق
جبین آنها سرمایه داران وابسته به بیگانه هر روز
فریه تر میشوند و با دسترنج خلق ایران به خونگذگانی -
رانی و هوسرانی میپردازند . شاه جنایت پیشه کشید

ثروتمند ترین مرد ایران است بهمراه خانواده کشیف
پهلوی و نوئران درجه اولش از قبیل علم ، اقبال
و ... تمام منابع ثروت را بنود اختصاص داده
و چیزی برای خلق رحمتمند ایران باقی نگذاشت
است .

خلق مبارز ایران :

ما چریکهای فدائی خلق راه گلوله در برابر
گلوله را پیش گرفته ایم .

ما ایمان داریم که برای آوتاه کردن دست
منحوس ، امپریالیستها و دست نشاندگان ایرانی آنها
به سرکردگی نهاد خائن تنها یک راه و بیود دارد و
این راه مبارزه مسلحانه است . ما معتقدیم که خلق
قهرمان ایران تنها با برداشتن تفک و انقلاب
مسلحانه راه غلبه بر دشمن تا دندان مسلح را خواهد
پیعو . باین دلیل ، ما مسلحانه بیا خواسته ایم و نخیتو -
انیم در مقابل جنایات رژیم شاه سانت مانده و شاهد

غارب منابع ملی و انسانی میهن خود باشیم و در اینجا بار دیگر اعلام میکنیم که تا رئیسی کامل وطنمان از یوگ ستم امپریالیسم و حکومت خلیق شاه از پای نخواهیم نشست.

حمایت مادی و معنوی نیردهای مترقب جامعه از جنبش مسلح انسانی بهترین نشانه رشد و گسترش جنبش خلق ما است و تشرهای مختلف مردم باشکار گوناگون بحمایت از جنبش میپردازند و بدین ترتیب خلق هر روز بیش از پیش با هدفهای سما آشنا شد، و با حمایت مستقیم یا غیر مستقیم خود تبلیغات زورآگین رژیم را نقش برآب میکند.

همه این عوامل و بخلافه از دیار تجارت سیاسی و نهادی انقلابیون باعث شده که رژیم با تمام تلاشهای شبانه روزی این در احصار و نابودی چریکها ناتوان گردد. رژیم که با بگاربردن آخرین تجربه های خود انقلابی و استفاده از همه تسویان

ارتحان

در رو
به



اعدام انقلابی

سروان یدالله نوروزی

یکی از فرماندهان مزدور گارد دانشگاهها

مبارزه پیروزی
دانشجویان شهید داه (هانی) خلو

اطلاعیه

در ساعت ۰۵:۰۰ دقیقه باشد اد روز دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۵۳، سروان یدالله نور و زی فرمانده^۰ منفور گارد دانشگاه صنعتی توسط یک واحد از رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق اعدام گردید..

رفقای واحد عطیاتی، عنگامیکه مزدور خائن با اتوبیل در حال خروج از خانه اش واقع در منطقه^۰ نارمک تهران بود، او را به رگبار مسلسل بسته و پس از شلیک تیر خلاص اتوبیلش را به آتش کشیدند. سپس رفقا اعذایه های توضیحی را که پیزه^۰ پخش در صحنه^۰ عطیات تهیه شده بود، پخش کردند و با شمارهای گروه به دانشجویان هارز و دانشجویان شهید^۰، "مرگ بر شاه خائن" منطقه را ترک کردند و به سلامت به پایگاه مراجعت نمودند.

این عطیات که درست عقarn با سالروز تیبیارانهای رفقای ما در سال ۱۳۵۰ به مورد اجرا درآمد، "عطیات رفیق مجید احمد زاده" نام گرفت. رفیق مجید احمد زاده که در اسفند ۱۳۵۰ توسط دولت مزدور شاه تیبیاران شد، اولین دانشجوی شهید دانشگاه صنعتی بود. ما از هنها قبل تصمیم داشتیم که در جواب رحشیگریهای گارد دانشگاه نسبت بدانشجویان هارز متعابلاً ضربه^۰ جانانه ای به این مزدوان وارد آوریم و به این وسیله حفایت مسلحان^۰ و بیدریغ خود را از هارزات دانشجویان میهیں مان لعلام داریم، از این جهت حکم اعدام این مزدور خود فروخته، یکی از خوش خدمت ترین و منفورترین مهره های گارد دانشگاه را در دادگاه انقلابی خلق صادر نمودیم و بالاخره در محکمه روز دوازده^۰ اسفند اجرا کردیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق^۰

رئیس شاه خائن گذشته از شیوه تهاجمی اشغال دانشگاهها که نوعی تهدید مداوم برای دانشجویان آزادیخواه و عرقی تلقی میشد از شیوه تعطیع و فربی نیز استفاده کرده است. بدین ترتیب که با دادن وامهای مختلف بدانشجویان تحت عنوان کک هزینه، واهم مسکن، و... میکوشد آنان را نسبت به وضع موجود راضی نگهداشته و از مقابله حمایت دانشجویان نسبت به حقوق پایمال شده خلق خود جلوگیری نماید، و با فراهم کردن امکاناتی درجهت تفریحات مبتازل، دانشجویان را از مسایل مبارزاتی دورسازد و سطح فعالیتهای انقلابی را در دانشگاهها کاهش دهد.

عکس العمل دانشجویان مبارز میهن ما در مقابل شیوه های تهدید و تعطیع رئیس، مقابله جویانه و دندان شکن بود.

سیستم منفور پلیسی گارد دانشگاهها از عمان ابتدای تشکیل با نفرت و خشم شدید دانشجویان دانشگاهها ای ایران مواجه گشت، و علیرغم اختناق موجود، دانشجویان مبارز با حمله با فرار و تأسیسات گارد، اعتراضات شدید خود را نسبت به برقراری سیستم پلیسی در دانشگاهها ابراز راشتند.

در حقیقت استقرار دائمی پلیس در دانشگاهها که بعنوان یک وسیله مورد اطمینان آرام سازی روی آن حساب میشد نه تنها سطح فعالیت مبارزاتی دانشجویان را کاهش ندار بلکه خود به عاملی درجهت افشاء ماقصیت رئیس مژده و تدبیا گردید، و توهه های دانشجو را بیش از هر موقع علیه رئیس به حرکت درآورد. دانشجویان با مشکل کردن صفو خود درجهت مبارزه با گارد دانشگاه گامی موثر بجلو برداشتند و شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" فضای دانشگاهها میهن ما را آکنده ساخت و بدینسان بار دیگر فتنه گریهای رئیس با شکست مواجه گردید و به رسواهی کشیده شد.

پس از آغاز رستاخیز سیاعمل و طرح مسائل نوبن انقلابی در جامعه ایران، دانشجویان مترقب و آزادیخواه میهن ما نیز تحت تاثیر شرایط زندگی ایجاد شده و اکتشاهی کاملاً سیاسی و انقلابی از خود نشان دادند. بدین ترتیب جنبش دانشجویی با ابعادی وسیعتر و کیفیتی کاملاً تازه، در رابطه با حمایت فعال از مبارزه مسلحانه خلق ما، رو به گسترش نهاد.

موج نوبن مبارزات دانشجویان سراسر ایران رئیس پلیسی شاه را در زمینه کنترل دانشگاهها با مسائل و مشکلات جدیدی مواجه ساخت. دستگاه پلیسی با شیوه های معمول دیگر قادر نبود از این گیری مبارزات در حال رشد دانشجویان جلوگیری کند، لذا رئیس شاه ضرورت ایجاد یک سیستم پلیسی علنی و پایدار را در دانشگاهها بشدت احساس میکرد، تا بلکه بتواند از تظاهرات و اعتراضات شدید دانشجویان عمل جلوگیری نماید. بدین منظور در دوین کنفرانس باصطلاح آموزشی رامسر که در تابستان سال ۵۰ تشکیل شد طرح ایجاد گارد ویژه دانشگاهها به منظور کنترل و سرکوب مدام جنبش دانشجوئی به تصویب رسید و شاه خائن این امر را از طریق مصاحبه مطبوعاتی به همگان اعلام کرد. گارد ویژه دانشگاهها با استفاده از ماموریت تعلیم دیده، گارد شهریانی تشکیل شد و در اول مهرماه سال ۵۰ عمل فعالیت خود را آغاز کرد. بدین سان حريم مقدس دانشگاهها میهن ما توسط مژده وران چکمه پوش گارد شکسته شد و کلاسهای درس زیر کنترل مستقیم پلیس گشایش یافتند. بار دیگر رئیس دیکتاتوری پلیسی - نظایر شاه خائن چهره صنف خود را آشکارا نمایان ساخت و صفحه ننگین دیگری بر کتاب جنایات خود افزود.

سروان نوروزی که بود و چرا کشته شد ؟

سروان یدالله نوروزی یکی از زیده ترین افسران گارد ویژه شهریانی بود که بمنظور آزادگیهای بیشتر خد انقلابی، در چند سال پیش از جانب دستگاه شهریانی به امریکا و واپن فرستاده شده بود. این نورچشمی انتخابی دستگاه شهریانی پس از مراجعت از خارج به فرماندهی گارد دانشگاه صنعتی برگزیده شد تا تعالیم خد مردمی خود را که از امپریالیستها آموخته بود بر علیه هم وطنان خود بکار گیرد.

سروان یدالله نوروزی یکی از وحشی ترین و منفورترین افسران گارد دانشگاه بود. او در جریان تظاهرات حق طلبانه دانشجویان، در اول صف مامورین گارد، در حالیکه به سپر و کلاه خود مجهز بود بدانشجویان حمله میکرد و آنان را مورد ضرب و شتم قرار میداد. بطوطیکه در جریان یکی از حملات گارد به دانشجویان مبارز دانشگاه صنعتی، دانشجویی بزرگتر اتومبیل نظاعی گارد رفته که طبق اطلاعات واصله بشهادت رسیده است. هم چنین در سوره شاشهی دانشجویی که قصد فرار از مقابل باطوم بدستهای گارد را داشته در خیابان مقابل دانشگاه بزرگتر اتومبیلی رفته و شدیداً مجرح میشود.

سروان نوروزی عذر خواهی و اهانت و حمله بدغتران مبارز دانشجو نیز ابائی نداشت. کما اینکه بارها شخصاً بدغتران مبارز دانشجورا با باطوم مضروب ساخته و دستگیر میساخت، این افسر منفور همچنین در ارتباط مستقیم با سازمان امنیت فعالیت میکرد و دانشجویانی را که جزو لیست فرستاده شده از کمیته باصطلاح خد خرابکاری بودند دستگیر ساخته و تحویل مژده ران نمیته میداد و در این زمینه از هیچ خوش خد حقیقی فروگذار نمیکرد.

عکس العط دانشجویان دانشگاه صنعتی به پیروی از تاکتیکهای تهاجمی و تصریض جنبش نوین خلقی ما با این افسر مژده مقابله جویانه و قاطع بود، بطوطیکه یکبار اورا شدیداً مورد حمله قرار داده و مضروب ساختند و هیچگاه تعلیم تعلیمات و دستورهای این مژده را نشدند.

سازمان ما که از نزدیک در جریان فجایع و مظالم دستگاه گارد دانشگاه ها قرار داشت، با توجه به وحشیگریها و بی حرقی های بسیار این مژده که در حق دانشجویان مبارز ما روا میداشت اورا در یک دادگاه انقلابی محاکمه کرده و به مرگ محکوم نمود و حکم اعدام را در روز مقرر در مورد او باجرا نهاده بود.

جریان رشد روز افزون جنبش دانشجویی در رابطه با رستاخیز "سیاهکل"

رستاخیز سیاهکل " تفییرات کیفی در جنبش دانشجویی میهن ما بوجود آورد . دانشجویان که با موج نوینی از مبارزات خلق مواجه شده بودند بزودی با ذکر مفاهیم انقلابی جنبش، سطح شعارها و مبارزات خود را ارتقاء بخمدیدند. کشیده شدن تظاهرات بخارج از دانشگاه ها و طرح شمارهای کاملاً سیاسی و متعرضانه که به حفایت آشکار و صریح از جنبش مسلحانه صورت گرفت نشانه بارز این تفییرات کیفی میباشد . بدنبال حفایت بیدریغ نیروهای آگاه دانشجویی از جنبش مسلحانه، رژیم شاه سخت بوحشت افتاده و حملات وحشیانه ایرانیه دانشجویان مبارز ما سازمان را در و در جریان دستگیریهای وسیع از سال ۶۰ به بعد هزاران دانشجوی مبارز را بزندان کشید و مورد آزار و شکنجه و بی حرقی قرار داد . ولی با این همه آزار و شکنجه، دانشجویان مبارز میهن ما با مقاومت قهرمانانه خود از مفاهیم انقلابی رستاخیز سیاهکل پاسداری کرده و همچنان به پیشروی در راه رهای خلق تحت ستم خویش ادامه میدهند و هر روزی که میگذرد هیچ جدیدی از دانشجویان بجا رزات نوین خلق میپرسندند و شرایط بهتری برای رشد و گسترش میارزه فراهم میآورند . دانشجویان مشرق و انقلابی ایران تحت تعالیم جنبش نوین خلق، مبارزات خود را گسترش داره و از چهار چوب دانشگاه ها خارج ساخته اند . در سال اخیر ما شاهد

در دانشگاه‌ها پذیرفته خواهند شد.

با این ترتیب دولت به جوانان دیپلمه امتیاز تحصیل در دانشگاه را میدهد بشرط آنکه یوغ مزد وری ارتشر، را برگردان گیرند و اجبارا در راه مقاصد بیگانگان وارد خدمت پلیس و ارتشر، شوند. در حالیکه این حق طبیعی این عده از جوانان است که شرایط تحصیل در دانشگاه‌ها برایشان مهیا شود.

اگر دانشگاه‌ها برای کسانیکه به خدمت ارتشر درآمده اند، جای خالی دارد پس بدون آنکه بخدمت درآیند نیز جای خالی برای آنها خواهد داشت. مساله ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها ریطی به پذیرش مزد وری رزیم نباید داشته باشد ولی دولت شاه از طرفی با ایجاد اعتبار برای دانشگاه‌ها ظرفیت آموزشی را افزایش داده ولی تعداد دانشجویان قبول شده در کنکور را افزایش ندارد و آنگاه موزیانه بقیه افراد را که بطور طبیعی باید وارد دانشگاه شوند بطور مشروط و آنهم شرط مزد وری ارتشر و پلیس وارد دانشگاه میکند.

با این ترتیب محیط دانشگاه‌ها را از درون نظامی و پلیسی میکند و از دانشجویان متعهد خدمت بعنوان یک فرد نظامی میخواهد که عامل اجرای مقاصد پلید او در دانشگاه‌ها باشد و با این ترتیب در بین دانشجویان تفرقه میاندازد و از سوی دیگر عده ای متخصص برای رفع احتیاجات خود تربیت میکند طبعاً تحمل چنین اوضاعی برای دانشجویان دانشگاه‌ها قابل قبول نیست و نمیتوانند رفتار افراد یرا که بعنوان "مامور معدود" در کنار ایشان نشسته اند تحمل کنند. ضمناً این شرایط روی دانشجویان تحملی نیز اثر میگارد و اینا ن را که فریب توطئه دولت شاه را خورد و امید ارد که برای حفظ موقعيتی که ظاهرها با کرم بخشی از طرف دولت بایشان عطا شده است کوشش نمایند و همین امر تصادفاتی را میان دانشجویان واقعی و دانشجویان تحملی ایجاد میکند.

اخیراً دولت شاه با توجه بروخیات دانشجویان تحملی و اشتیاقشان به ادامه تحصیل

اقدامات بسیار مثبت کروه‌های دانشجویی بوده ایم که با رفتن بیان مردم و طرح مشاره‌ای مناسب در تائید جنبش صلحانه، توده‌های میهن‌ما را با مقاومت انتقامی رستاخیز سیاهکل آشنا کرده اند.

بدین ترتیب دانشجویان مبارز و مترقب عملکام با پیشاہنگان کارگری جنبش‌غلق، مبارزاً ت خود را بسطح توده‌ها نزد یک کرد و ببویژه فعالیت توضیحی خود را روی کارخانجات صمرکز ساخته اند. برگزاری تظاهرات موضعی در جلوی کارخانجات و غمچنین در نواحی خلقی شهر نشانه اتخاذ تاکتیکهای نوین و مترقب در جنبش دانشجویی است که البته این تاکتیکها میایست در ارتباط با عمل تکامل یابد و در سطح جنبش دانشجویی ثبت‌گرد و پیوند دانشجویان مترقب را با پیشاہنگان پرولتری جنبش خلق روز بروز مستحکم تر سازد.

دانشجویان مبارز میهن‌ما در راه اجرای تاکتیکهای توضیحی - توده‌ای، در ارتباط با جنبش صلحانه عمل ثابت کرده اند که حاضر بهر گونه فد اکاری و جانبازی می‌باشند. نمونه‌ی بارز آن دانشجویان قهرمانی هستند که در راه اجرای آرمانهای جنبش خلق از جان خود نیز گذشته اند و حتی با دست خالی بخارزه ادامه میدهند.

رفیق دانشجو حمید خلیلی، دانشجوی قهرمان دانشکده علم و صنعت که در تظاهرات موضعی خیابانی بشهادت رسید وهم چنین رفیق دانشجوی قهرمان از دانشگاه صنعتی که عنگام تظاهرات زیر ماسکین گارد مزد و دانشگاه شهید گشت گواه بارز این مدعای می‌باشند.

آخرین توطئه بر علیه دانشجویان میهن‌ما
اخیراً دولت شاه دست به توطئه‌ای جدید بر علیه جوانان دیپلمه و دانشجویان دانشگاه‌های ایران زده است. دولت اعلام کرده است که کسانیکه در کنکور دانشگاه‌ها نمراتشان بحد نصاب معین برای قبولی نرسیده است در صورتیکه با استخدام ارتشر، درآیند

سپری شده و باید منتظر عکس العمل سلطانه خلق باشند . سرمایه داران بیرون و زالوصفت چون فاتح یزدی ها ، مامورین پلیس و سازمان امنیت چون نیک طبع ها ، سرگردان و صاحب منصبان مزد و چون فرسیو عما و تمام عاملان سیاه بیگانه آماج گلوه های آتشین نیروهای مسلح خلق قرار دارند .

دیگر روزگار یاس و تسلیم سپری شده و خلق ما برای آزادی خویش بپای خیزد و دانشجویان مترقب در پیشاپیش صفوی خلق به پیکار ادامه میدهند و مصممانه این پیکار را تا پیروزی خلق و نابودی دشمن دنبال خواهند کرد .

درود فراوان به تمام شهدای دانشگاه های ایران
نابود بار سلطنه پلیسی گارد دانشگاه ها .
بر قرار بار پرچم ظفر نمون رستاخیز سیاه کل
بر قرار بار اتحاد دانشجویان انقلابی و توده های رنجبر ایران
مرگ بر شاه خائن نوکر امپریالیسم چهانی
پیروز بار مبارزه سلطانه خلق ایران

"سازمان چریکهای فدائی خلق"

-۸-

در دانشگاه و تبلیغ روی این مسئله که دانشجویان واقعی مانع رشد و تحصیل ایشان هستند یک‌مشد اختلافات فی مابین رادامن زده و با عزم‌دادن عده ای رجاله و چاقوکش در عسفوف ایشان آنها را برعلیه دانشجویان حق طلب تحریک نماید .

طبق اطلاعات رسیده اخیرا در دانشگاه پژوهشی چند تن از رجاله های سازمان امنیت که خود را در لباس دانشجویان تحملی حازمه بودند یکی از مدافعین حقوق صنفی را در دانشگاهی پژوهشی با چاقو مضروب کرده و دست به تخریب و انهدام غذاخواری دانشگاه زده اند و سپس با جمع و دار در محوطه دانشگاه برای افتاده و با حمایت ماعون گارد دانشگاه شعار "جاود شاه" داره اند و باین ترتیب بی احترامی شدیدی نسبت بدانشجویان میهن پرست و مخالف بیگانه کرده اند . مصاله ای که قابل ملاحظه بیانش است که دانشجویان تحملی نکر میکنند دانشجویان مبارز دانشگاه با ادامه تحصیل ایشان مخالفند در حالیکه بهیج وجه اینظور نیست بلکه دانشجویان مبارز دانشگاه با پذیرش عزیزی از جانب اینان مخالفند و معتقدند که اراده تحصیل اشان به ادامه عزیز پیشان ربطی ندارد . دانشگاه برای این عده از دانشجویان جای خالی دارد و ایشان در صورتیکه از خدمت ارتش کاره گیری کنند با حمایت دانشجویان مبارز میتوانند بادامه تحصیل در دانشگاه پیرا ندند . البته رجاله های چاقوکش با حشمت از جانب دانشجویان مواجه بوده و عیچونه امکانی برای بقای آنان در دانشگاه وجود نخواهد داشت .

سازمان ما حمایت سلطانه بسیاریخ خود را از جنبش نوین دانشجویی اعلام داشته و نیمن آن بد شمن اخطار مینماید که هرگونه غربه به دانشجویان مبارز را با غربه ای مقابله پاسخ خواهد داد و اعدام انقلابی سروان نهروزی خائن سرآغاز نبریات بعدی بد شمسان روی روی جنبش دانشجویی است .

ما همچنین به تمام دشمنان خلق اخطار مینکنیم که دیگر هرمان یکه نازی بمحضیا به آنها

-۹-

اعدام انقلابی یکی از پلیدترین جاسوسان

سازمان امنیت شاه خائن



بالآخره عباس شهرپاری (اسلامی) مرد هزار
چهره سازمان امنیت شاه خائن و یکی از اعضای
رهبری شکیلات تهران (حزب توده) پس از
سالها خیانت و جاسوسی علیه نیروهای مبارز
میهن ما و خلقهای مبارز عرب، بسنای اعمال
تنگینش رسید و توسط پیشگامان فدائی خلق
اعدام شد.



در ساعت ۱۴:۰۰ با داد و روز ۱۴/۱۲/۵۳، بعد از اعدام انقلابی عباس شهرپاری جاسوس، بررسیه بیت واحد از زندگان سازمان جهادگاری فدائی، به بور اجرا در آمد و بدین ترتیب به زندانی شدن یکی از پلیدترین مرد تهران خود نیروخته شاه خائن داده شد.

اعدام انقلابی عباس شهرپاری (اسلامی) و بنابراین سازمان امنیت شاه خائن "مرد مبارزه‌بهره" پاسخی بود به حنایتهای سیشار او ملبه گردید که سازمانهای بارز بین نادرداشل و میان ازکشور و سریات ستانی که او بر جنپنیر شرقی خلیج بیرون نموده بود. سعین اعدام این خائن پاسخی بود به فعالیتهای جاسوسی که او به عنوان یکی از پلیدترین مرد تهران سازمان بر علیه خاتمه بارز عرب انجام داد.

اینکه «عیز زیران رژیم شاه و دشمنان جنینه، انتقام خلز» باید باز رخشد و گ به خود بلرزند . عزیز زیران و فائینی که سالها بی اینه ترسی از استثنا خلز، برای رژیم خد خلقی حمدا رخنا شاه جاسوسی کرد، اند «را با توسل به انواع میله نا سبب رستگیری»، زندان، شکجه و اعدام بهترین فرزندان همار خلز، ما گشتند، «باید بدانتد نه از این پر، از»؛ نال عدالت انتقامی خلز، راه گوریز ندارند در بین جما آسود، را مند ناند . اراده «انتقامی خلز، نه سازمان نه تجسم نویگی از آنست است تمام سختی را برایشان ندارند نید» است .

عباس شهریاری (اسلامی) گزیده؟

از آنجا که رژیم سده را شاه نائن از گسترش بارزات انتقامی جاسسه» می‌جست دارد، «با جمله نان-تند سی میکه از رست نیرو نما، جاز خلز بچلویگی ناید . یک از دسایس رژیم برای خوبی زدن به جنینه، انتقامی خلز میهن ما تشکیل گرده های به نای بر سیاس است که در رابر، آنها یک یا چند مادر سارک به شایه رهبران گزه، فضایی ای گند . بعد سازمان از تشکیل این گروه ها اینست که عدد ای از بهترین فرزندان انتقامی خلز را که سواره در جاسمه وجود دارند جذب این گروه عا کرده و پس از شناسی آنها را به پکاره به دام ساواک بیندازد . مصول دشن این عناصر جاسوس را از بین شاثینی انتخاب می کند که زبانی داد فعالیت سیاسی را شنیده اند و اطلاعات سیاسی نسبتاً رسیپی نیز دارند . این افراد به خاطر سابقه سیاسی شان ماهرانه و بزرگانه انتقام بین صادر و کم تجربه را غریبه و اختناد آنها را جلب می شنید و به این ترتیب نیز این سخن بر جنینه انتقامی خلز را وارد می سازد . عبارت شهریاری مصروف به اسلامی زنده ترین این عناصر خلز بود . اور آغازیکی از فعالیت حزب توده بود که پس از شکست بزب نوده باند بسیاری از بربران خلز این حزب به خان کیست و پس از اندیشه فعالیت در خزان از شکم به آرایهای نای پشت با زده و خاشتن در خدمت پلیس جنایت کار رژیم خد خلق درآمد .

عباس شهریاری که اکنون ریگر جاسوس سازمان اینست شده بود به دستور کیته ی عزیز بزب نوده در اوائل سال ۶۴ به راه می آمد

دهه ای دیگر از دسایلین حزب به ایران آمد و تشکیلات تهران را برای غرام کردن زینه فعالیت جدد حزب برای اندیشه . از این زمان بعد پخاطر این اختیارات و آزادی عطی بیشتر فعالیتهاي جاسوسی شهریاری ایجاد و سپسی بخود گرفتار و ضربات سنگینی بر پیکر بارزین عادن دارد آمد .

در سال ۷۰ هنگامیک دیگر اعنای رعیتی تشکیلات تهران میخواستند برای نهاده سا کیته، رکنی حزب در خارج مازم ر عبور کنند هریان را به پلیر، اطلاع داد و آن را دستگیر نود . از این سال بعد شهریاری بعثوان رعیت اصلی تشکیلات نهران حزب نوده به فعالیت دود بینخ رژیم خد خلق شاه اداء داد . در سال سال شهریاری بسیار و فداکاریهاي بی شایه انتقام بیان و خوزستان نیز شکله عالی بنام تشکیلات آذربایجان و تشکیلات جنوب برای اندیخت . در سال ۷۱ دوتن از کارگران خلز نهاده چاهانه تشکیلات تهران را که در ارتباط با «دشکار میکردند» به ساواک سرخی زد و بیاعتنی دستگیر شدند . مجنبین د ر همانسال دده ای از عناصر عمال خستین گوشی که خطشنی همار سلطانه را انتخاب کرده و برای آغاز هماره دست به تهیه اکنات و ندارکاتی زده بودند توسط شهریاری خلز شناخته و دستگیر شدند .

عباس شهریاری این بزدرو کشید نای سال ۷۲ با داشتن عنوان رئیس تشکیلات تهران و چندوبه فعالیتهاي پلیس تشکیش ارادهه داد و عناصر امداد و کم تجربه را بدام خود کشید . پلیس در عرجند گاهی یکط اطلاعاتی که اور اخترانش بگداشت فعالیتی و پوششی ترین این افراد را دستگیر و به زندان و شکجه مکید و باین ترتیب غفالیتهايیان را خشنی یکرد . مجنبین او با کله عناصر ساده ای که در تشکیلات بودند خود پلیس اثرا را یکشتراند و به شناسانی گروه عا دسازمانهای همار جامعه و سر احتما کند و دستگیری آنها نویسط سارک می برد اخた . اسلامی خلز توانست در طول این سالها با همارت تمام دهها

نم از بهترین فرزندان همار خلز ما را به شکجه کامها و زندانهای ساواک روانه سازد . بظیله در دست ، سال فعالیت شکیلات تهران، این شبکه بیشتر، از همه کوششها و اقدامات خود سازمان اینست «برای رژیم کار کرد . این سزدرو پلید در رابطه با نیروهای انتظامی، دسازمانهای، همار خلز از شکجه نیز برای ساواک حدمات پر از شیخ نموده است . شناسانی فعالیتین این فعالیت و غیره در سازمانها و گذاشتنه تعا اطلاعات آنها در اختیار سازمان اینست از جمله خدماتی است که اور این زینه انجام می دارد . همچنین در تراس، با نیروهای متفق و همار خلخ عرب اطلاعات ویه ای از طریق این جاسوس کشیده به ساواک و سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) داده شده است، بظیله علاوه بصورت یک مهربان العلی «سیا» انجام دطیه یکرد . سازمان اینست شاه خلز در رسال، «بنامیک یکسری عملیات جاسوسی شهریاری افتاب» شده بود به تلاش، ندویانه برای، حلولیتی از افشا شدن فعالیتهاي بیشترانه شهریاری دست زد . رژیم در یکسری نایشات رادیوی سلیمانیونی بیان شهریاری را یکی از فعالیتین سیاسی که برعلیه اینست کشته اند اعطا می کرد و «مرد هزار چهره» هضری نمود و به اصطلاح نجده «دستگیری اور امنیت را ولی ریکر چهره» واقعی مرد هزار چهره سازمان اینست برای نه سازمانها و نیروهایی همار داعل و خان کشیده شناخته شده بود . آن زمان هما هماری که در شکنجه گاه عای اوین و قتل شمه مازد اشت سوند این بزدرو کشیده را که بسنوان شایر سریاز جهیغا و شکنجه گون ساواک «سام و شیخ» سیمود پیش می دیده اند .

از آنرا تاریخ بیند اسلامی بزدرو که خاخن انشای ماهیت . بگزست سختی میتوانست شکره عذر بزدرو نیز داشت . کشیده باری نماید با انتقاماً بیشتری شروع به فعالیت نموده و عده تا به چونه کیف . جاسوس علیه نیروهایی همار خلخ پرداخت . اما این زندگی نتایج که خود بزدرو را نیز دیگار و چشمی عظیم کرد بود نی توانست برای عیشه اراده یابد .

بهر حال بیانیت تقاء بایانی بر آنمه دیانت و ریا کاری و پستی گذاشتند و چه نقطه ای شایست ترا ایمان گلوله، سلسیل رزندگان سازمان ما در غیر اسلامی خلز می توانست وجود راشت باشد؟

نیروهای همار خلز میهن!

اکنون چهار سال از هماره ای که توسط رفای رزمنده «دار جنگلهاي سیاعکل آغاز شد» می تکرر . ترسیمات بهار سال هماره بی اعان برعلیه دشمنی آه با شایی ترا و ایگاناتش در بیت سرکوب چنتر، تلاش، کرد، است دستاوردهای اندیشه بسیاری برای جنینه، خلز می به ارمغان آورد . این دستاوردهای ما کد به قیمت خون بارزین سیار و فداکاریهاي بی شایه انتقام بیان و در زیر شکنجه ما و شایدیا طاقت فرمای زندگان ریزی نتکین و دست نشاند؛ امیرالیم به دست آمد، است، باعث شیوه هماره سلطان نیروهایی همار خلز بستوان تغییر راه میکنند مارزه کشته است . روی آری دنها آرمه و سازمان بعد از استغایز سلحانه و حمایت روز از نوزن آگاه ترین اشتران خلز از هماره ای که پیش از این طبقه کارگری بیان . این دست آورد؛ این انتقامی بیجنین شایان بثای رشد یانده سازمان ما بعنوان تهمها سازمان پیش امتد شاید ادعای است . این دست آورد؛ این انتقامی بیجنین شایان بثای رشد یانده سازمان ما بعنوان تهمها سازمان پیش امتد طبقه کارگری باند . سازمان ای اکنون به برقه ای . از شد خود رسیده است که تواند بیشترین نیروی خود را عین شایست کردن شکنجه خلز را به بیدان هماره کشاند . تحت نین برتان ای سازمان ای از تابستان آشت شروع به اند امتد . اعدام انتقامی فاتح یزدی سرایه دار جنایتکار راصحب کارخانیتای جهان و حبیب املو شهادت ۷۰ تن از کارگران زجتکن جهان . جیت کن اولین قی مادر این جست بود . از این بیند، اعدام انتقامی سردار نیک طایع بزدرو، شکجه گرو سر بازجویی مصروف سازمان اینست شاه خلز در نهیم دیمه نه سالبا به دستگیری و شکجه کردن بهترین ترندان انتقامی خلز . ناشغل بود و نیز عدام دزدرو تود غرفته و دیگر سازمان که مزد نیز ای همار خلز می داشت و خانوارهای بایشان بودند بوسیله بحق که بعنوان

رام برای آنها کار نداشته شده بود و اعدام انتقامی سروان نوروزی، مزد بر غرماند؛ کارهای انتقامی آرایه هر در روز و شبکه روازدم استند که عامل سرکوب مبارزات حق طلبانه، دانشجویان و مسیب شهادت یک از دانشجویان دستگیری و شکجهای راه تا تن از آنان بود و اعترض اعدام عباس، شهریاری خائن و نژاد...

و به این ترتیب است که انسانه شکست نایاب بود، رژیم مزد بر محمد رضا شاهی در همی شکنده و ذلیل، دری باید که در مقابل قدر ارتبا علی دولت شاه تبرت انتقام بین نسل، تزار را رد، راه برای حرکت های مرجه کشته تر توهه های زحمت کش و نیروهای آزاد بخراه بیهوده آتشده عی آورد و دشمن خلز ب پایان عمر جنایت بارش، نزدیک تر می شود.

گسترد، باد مبارزه های صلحانه های خلق
درود بندیم؛ تهدای راه رعایت خلق و حمایت زندانیان سیاسی
مرد، بزرگ همی مزدوران و خائنه
نایاب باد سازمان اینیت بایزار سرکوب را عباب شاء مزد بر
نایاب باد حکومت بند خلقی دند کارگری محمد رفیع شاهزاده

"چریکهای غدای خلق"

* * *

-۳-